جلسه ۹۵

صورت مشروح مجلس لیلهٔ چهارشنبه سیزدهم برج ثور ۱۳۰۱ مطابق شهر رمضان ۱۳۴۰

مجلس ۳ ساعت ازشب گذشته درتحت ریاست آقای مؤتمن‌الملك تشکیل گردید

(صورت مجلس لیلهٔ یکشنبه‌دهم ثور آقای امیرناصر قرائت نمودند)

رئیس — گویا نسبت بصورت جلسه مخالفی نباشد؟

(مخالفتی نشد)

رئیس — صورت جلسهٔ تصویب شد.

آقای کازرانی فرمایشی داشتید؟

آقامیرزا علی کازرانی — بلی بنده‌راجع بصورت‌مجلس‌عرضی‌داشتم.

رئیس — پس چرا اول اظهار نفرمودید.

آقامیرزاعلی - حالااجازه‌خواستم

رئیس - بفرمائید.

آقامیرزاعلی — مخالفت بنده در تمدید بجهت مخالفتش باقانون اساسی بود ودرصورت مجلس ذکری دراین باب نشده است.

رئیس — اصلاح میشود.

آقای مستشارالسلطنه ازوزارت فوائد عامه‌راجع بصید ماهی حلال‌وحرام سئوالی داشتند؟

مستشارالسلطنه - بلی سئوال بنده بعمل‌آمده است‌ولی‌جواب هنوز داده نشده است‌حالا میفرمائیدتجدید سؤال‌شود؟

رئیس - خیرسؤال‌شده است منتظر جواب باشید.

معاون‌وزارت‌فوائدعامه - بر حسب ابلاغ وزارت فوائد عامه بوزارت مالیه اطلاع داده شد که باعضای مالیهٔ و رؤسای گمرکات سواحل‌بحر خزر دستور داده شود که کلیه رود خانهای گیلان و مازندران‌را باستثنای آنچه که باجاره‌داده شده بمزایده قانونی گذشتهٔ شود وعوائد آن‌راجمع‌آوری کند و همچنین مقرر شد که درانزلی ماههای صوف‌وسازان سوم. ودرحسن کیاده ماهی‌های سوته وسندوکا (این پنج‌قلم ماهی‌های حلال وحرام است) رابطور اختصاصی باقیمت مرضی الطرفین بروس‌ها واگذار نمایند وروس‌ها هم مبلغ پنجاه هزار تومان درعوض بدولت ایران بدهند وهم‌چنین قرار شد در مازندران و گیلان وآستارا ازقراریکمین صددینار که معمول بودیکمین‌چهارصد دینارماخوذشود

آقاسید فاضل — یکقدری بلندتر بفرمائید که همه بشنوند

معاون وزارت فوائدعامه - درآستارا و مازندران وگیلان صید ماهی آزادباشد ومقرر شد علاوه بر هریك‌منی یکصد دینار گمرك ماخوذ دارند و هم چنین‌در استرآباد ازهر یك‌منی علاوه بر گمرکات یکصد دینار ماخوذ بدارند ودر هریك ازسواحل بحرخزر ازخاویار سفید غیرازآنچه که باید گمرك گرفته شود یك من پنج قران است چیزی داده نشود ولی ازخاویارسیاه علاوه برمقدار گمرکی که‌هر یکمن پنج قران است ماخوذ می گردد و برای اداره کردن این کاربااداره گمرکات دستورداده‌اند که با اطلاع امناء مالیه هر محل صدی پنج از عایدات را تخصیص بدهند که خرج این کار شود واستاد خرج هم با امضاء امین مالیه ورئیس گمرکات بمرکزفرستاده‌شودوهمین‌طور یك‌صورت‌هائی ازحمل ماهی وازمقدار عایداتی که مرتبا میرسد به وزارت فوائد عامه بفرستند باین ترتیب صید ماهی حلال وحرام مقرر شده است.

مستشارالسلطنه - اگراین‌طورباشد تقاضا می کنم وزارت فوائد عامه صورت مشروحی بطور یك لایحه برای اطلاع کمیسیون فوائد عامه بفرستند که اگر کمیسیون نظریه اتخاذکرد بعرض مجلس مجلس‌شورای ملی برساند.

رئیس - این ارجاع به کمیسیون نیست این تقاضای دوستانه ایست که‌میکنند ارجاع به‌کمیسیون وقتی استکه مجلس بخواهد ورجوع به‌کمیسیون نماید.

(گفته شد صحیح است)

آقای سدیدالملك

(اجازه)

سدیدالملك - همه می دانیم یگانه راهی که بشررا به ترقی و تکامل سوق می‌دهد معارف است وبدبختانه معارف ما روبه انحطاط میرود.

دراین مملکت که مدرسه فنی وفلاحتی وتجارتی نیست‌وهمچنین همه‌می‌دانیم‌راهی که مملکت را به ترقی سیر می‌دهد امور فلاحتی است و فقط یك مدرسه در کرج تاسیس شده بود وازقراریکه بنده‌شنیده‌ام این مدرسه فلاحتی کرج هم منحل شده وحال شاگردان‌این‌مدرسه خیلی سخت‌شده این است که سؤال می کنم ازآقای‌معاون وزارت فوائد عامه که جهت چه‌بوده که‌این مدرسه منحل شده وعلت آن چیست؟

معاون وزارت فوائد عامه - خیلی خورسند شدم که به نماینده محترم عرض میکنم مدرسه منحل نشده و به حال خود باقی است ودرایام نوروز که مدرسه‌تعطیل شد این تعطیل مدرسه باانتقال خالصجات دولتی به وزارت جنك تصادف کرد و در این موقع وزارت جنك‌مصمم‌شد که‌مدرسه کرج را تخصیص بدهد.

برای‌یك قسمت ازدستجات نظامی و تصمیم گرفت مدرسه را بجائی دیگرانتقال دهد به این مناسبت قدری تعطیل مدرسه کرج ادامه یافت ولی مکرر شاگردان مدرسه‌به‌وزارت فوائد عامه آمده وتقاضای تکلیف نمودند.

این بود که وزارت فوائد عامه هم شرح مبسوطی به وزارت جنك نوشت و اطلاع داد که شاگردان مدرسه کرج‌نصف تحصیلات سالیانه خود را کرده‌اند وبیشتر از یك سال برای اتمام تحصیلاتشان باقی نمانده وهمانطورکه درنظرهست بایددوره تحصیلاتشان به‌اتمام‌برسد که‌برای‌سرمباشری خالصجات‌وسایراموراورفلاحتی مامور شوند.

هرچه زودترمحلی برای مدرسه‌تعیین شود که فورا مدرسه بازشود وشاگردان بدون وقت داخل مدرسه بشوند و مشغول ادامه تحصیلات خود باشند وازقراریکه اطلاع حاصل کرده‌ام‌دریك‌هفته قبل‌مدرسه کرج را به چهاردانکه انتقال داده‌اندو الآن یك هفته است که مدرسه دائر و شاگردان مشغول تحصیلات خود هستند.

رئیس قانون‌انتخابات مطرح است.

آقای زنجانی

(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - چون بنده عضو کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات هستم واطلاعات لازمه هم درست داده نشده ونظری که برای تمدید وتقصیر هست یعنی مدت کوتاه باشد بهتراست یا طولانی باشد.

درست تشریح نشده این است که عرض می کنم‌این مسئله اختصاصی به‌اینجا ندارد درجاهای دیگر هم عقاید مختلف است که آیا مدت مجلس کم باشد بهتر است یا زیاد باشد وهرطرف هم دلیلی دارند.

آقایان باید ملتفت باشند و هر کدام را پسندیدند التبه رای به آن خواهند داد.

کسانی که می گویند کوتاه باشد دلائلی دارند ازقبیل اینکه ممکن است دریك دوره جماعتی‌ازوکلاء که‌یك‌سیاستی اقتضا کرده‌والتخاب‌شده‌اند‌بعدازمدتی فرضا آن‌سیاست‌تغییر پیدا کند دراینصورت بقاء آن نمایندگان‌بمناسبت آن سیاست صلاح نباشد یامثلا فرقه اکثریت داشته باشند و بعد یك فرقه دیگر دارای اکثریت شده اند در اینصورت نمایندگان سابق قطعا پشتی بان اکثریت ملت‌نیست‌و نبایدزیست کنند یا مثلا فرض کنیم یك جماعتی فقط برای یك سیاست مخصوص یا اجرای یك معاهده انتخاب شده اند بعد آن سیاست تغییر یافته است و لهذا شاید وجود آنها لازم نباشد و نظریات ملت بر خلاف آنها باشد لذا خوب نیست باقی باشند و اگر هم‌فرضاً آن سیاست‌در آن‌مدت کم‌تغییر نیافته باز ممکن‌است ملت آنها راانتخاب کند این یك‌دلیل موافقین با تفسیر دیگر اینکه می گویند طول مدت سبب زیادتی نفوذ یك نماینده میشود و این خیلی مهم است زیرا که استداد بعرض اشخاص در یك مسند ولو اینکه اشخاص خوبی هم باشید بالاخره شاید مضر باشد یعنی در وزارت خانه ها اعمال‌نفوذهائی بکندواگر بداند چهار سال یا پنج سال این مقام را دارا خواهدبوددروزارت خانه ها یاولایات یك عملیاتی میکند و می گوید در چهار سال خیلی کارها میتوانم بکنیم و بعد از چهار سال هم ملت فراموش می کند اما اگرمدت کم باشد کمتر اعمال نفوذ می کنید که مبادا دیگر او را انتخاب نکنند اینهم یکی و دیگراینکه یکی از آقایان فرمایش خوبی کرد که اوارد کردندآقای اقبال السلطان بودند که فرمودند شاید یك وکلائی انتخاب شده باشند به یك ترتیباتی که شاید اکثریت انتخاب کننده گان از آنها راضی نباشد و اگر مدت کم باشد زودتر میتوانند از دست آنها خلاص شوند و کسان دیگر را که خوب ترو طرف توجهشان باشد انتخاب کنند پس اینهم یك چیزی است که می گویند موید تقصیر مدت است و همینطور آنها هم که‌با طول مدت موافقند دلائلی اقامه می کنند که‌چون درمملکت ما انتخابات کار مشکلی است‌لهذا دیردیر واقع‌شود و مدت زیاد شودبهتراست‌و به‌علاوه‌اشخاصی که‌تازه واردشده‌اندتا بترتیب مجلس آشنا شوند مجلس دوره اش تمام می‌شودو یك عده ناشی دیگر می آیند و تابه ترتیبات آشنا شوند مجدد دوره مجلس خاتمه پیدا میکند و این ترتیبات خیلی اسباب تعویق کار است پس بهتر این است که‌مدت طویل باشد و درعین حال بعضی هم همین رادلیل کوتاهی مدت میدانند زیرامجلس را مثل یك مدرسه فرض میکنند و می گویند وکلاء زودبه زود بیایند اینجا به‌ترتیبات‌آشنا شوند وبعد دسته دیگر بیایند بهتر است تا رفته رفته مردم آشنا و به ترتیبات پارلمان بشوند علاوه بر اینها یك دلیل‌دیگری برای کوتاهی‌مدت بنظر من آمد که در کمیسیون هم عرض کردم که اگرسه سال قرار بدهیم چون دیده‌ایم که انتخابات موجب یك انقلاباتی است و اگر انتخابات را سه قسمت کنیم و آنطور که موافقین تمدید می فرمایند سالی یکدسته انتخاب شوند و مجلس دائما باشد وانتخابات هرسال در جریان باشد دائما در مملکت‌انقلابات حکمفرما خواهد بود بعضی‌از اشخاص‌از بنده سوال کردند که شما واقعاً در انتخابات چه‌رویه و مسلك را دارا هستید من گفتم مسلك خودم را می گویم در حالیکه گمان می کنم لازم نباشد من مسلك خودم رابگویم من یکنفر از موسسین دمکرات هستم‌آن وقتی که مرامنامه فرقه دمکرات هنوزچاپ نشده بود آن مرامنامه را پیش مرحوم آخوند ملا محمد کاظم اعلی الله مقامه که ببنده خیلی اطمینان داشت و یکنفر از شاگردان آنمرحوم بودم فرستادم جواب نوشت خوب است و لیکن زود است و ما

هم بحسب‌نوشته ایشان مدتی علنی نشدیم و کسان دیگرما را انقلابی می گفتنددر صورتی که ماخبر نداشتیم انقلابی چیست و چرا بما می گویند انقلابی تا بالاخره باصرار ناصرالملك مسلك خودمان راعلنی کردیم و گفتیم دمکرات هستیم و هنوز هم بنده‌مسلك خودم را تغییر نداده‌ام چون هرروز که آدم مسلك تغییر نمیدهدفرضا اگر آدمهای‌ناخوبی داخل دموکرات‌شده باشند مسلك که فاسد نمیشود بنده در مسلك خودم با حق بودم و خواهیم بود چنانکه‌اگر تمام‌دنیامسلمان نباشدمن‌مسلمان خواهم‌بود

مسلك که تغییر نمیکند در یك صورت می شود مسلك تغییر کند در صورتی که ما آن مرام را اجرا کنیم و ببینیم مملکت اصلاح نشدآنوقت یك مرام دیگر رااجرا کنیم بعضی‌بمن گفتند حالا که مسلك تو موافق انتخابات‌عمومی است چرا قیدسواد را کردی من اینجا صریحا گفتیم ... اگر چه بدبختانه به همه قانونهائی که‌از اینجا میگذرد عمل نمیشود و بر عکس آن عمل می‌شود مثلا در دوره دوم‌قانونی گذشت که وزارت داخله روزنامه تاسیس کندکه امور مملکتی و مذاکرات مفصل مجلس درآنجادرج شود این روزنامه اصلا تاسیس نشد وپولها بجاهای‌دیگر می‌دهند ومخارج‌های‌دیگری‌می کنندواین کاررانمی کنند و روزنامه ها هم‌بدلخواه خودشان‌هر چه میخواهند می‌نویسند بنده اینجا مکرر گفته ام که من قید سواد را برای حفظ حقوق عموم لازم میدانم برای اینکه‌اگر اشخاص بی سواد حق انتخاب کردن‌داشته باشندحق خودشان را ضایع خواهند کرد و از دست آنها شمشیر را می گیرند و با همان شمشیرسرشان رامی‌برند من گفتم‌قید سواد برای حفظ حقوق عموم لازم‌است‌نه اینکه‌برای‌عموم‌حقوق‌قائل‌نباشیم‌هر کس‌دلیلی داردجواب‌من‌رابدهدمنکه‌دلیل‌خودرا گفتم وبعلاوه دلیل محکم‌دیگر من است که‌حالا انشاءالله آقایان رأی بعمومیت می دهند و دفعه دیگر خواهندديد انتخابات چطور خواهد شد؟ خواهند دید هیچکس بغیر ملاك دراینجا نخواهد بود ومعلوم خواهد شد که یك نفر حرف صحیحی گفته است •

انشاءالله در آتیه معلوم خواهد شد شاید من نمانم‌ولی انشاءالله آقایان دیگر خواهند ماند معذلك بااینکه شاید بحسب حال حاضر ایران مدت طولانی بشود بهتر است‌برای‌اینکه انتخابات کارمشکلی است ووسائل حمل ونقل‌در ایران کم‌است شاید ازاین جهات طول مدت را خوب بدانم‌ولی‌جهات دیگری‌هم هست که‌مقتضی است مدت کوتاه باشد وبهترهم هست که کوتاه باشد چون‌این طول‌مدت‌در صورتی ممکن بود که‌ماحق داشته باشیم قانون اساسی راتغییر بدهیم و لیکن ما رجوع کردیم بقانون اساسی‌آقای مشیرالدوله هم عقیدشان این بود که قانون اساسی‌درباب مدت تغییر نیافتهٔ ومنهم‌همین عقیده رادارم که مدت دوسال که‌درقانون اساسی ذکر شده تغییر نیافته وماهم نمی‌توانیم قانون اساسی راتغییر بدهیم بجهت اینکه چند ماده ازیکقانون‌را که‌تغییر می‌دهندمعنایش این است که‌این ماده رابردارند و عوض اش ماده‌دیگری بگذارندمعنایش‌این‌نیست که‌آن ماده‌را بکلی اسقاط کنند مثلا در قانون انتخابات اگرمن گفتم این‌ماده را تغییر بدهیم معنایش این‌نیست که‌این‌ماده راحذف کنیم••معنایش‌این‌است که‌این‌ماده رابرداریم و یك ماده دیگری بجای او بگذاریم پس‌اگر فرضاً چندماده‌از قانون اساسی یکوقت تغییر کرده‌بجای‌آن چند ماده مواد دیگری گذارده اند اولا تغییر این‌چهار ماده بترتیبی که‌واقع شده ابداً مخالف باقانون اساسی نشده برای اینکه عموم ملت بانجمن آذربایجان اختیارداده اند ومواد را ازهمین‌جا تلگراف کرده اند که‌مااین چهارماده رابااین ترتیب نمی خواهیم تغییر بدهیم و آنها هم رخصت دادند وحق هم دارند آن مجلس که می آید تصرفاتی بکنداینطور هم‌شد ومجلس آینده هم اندك تغییری داد و الان هم همان چهار ماده داخل قانون اساسی‌است وبهمان ترتیب باقی‌است بعلاوه ماده‌دیگری است که‌بآن دست نزده‌اند واهمین مسئله دلالت دارد که‌مدت مجلس‌دوسال‌خواهد بود بنابراین اگرچه طول مدت نسبت به بقاء مجلس هم‌بشود ولی درعین حال‌عقیده بنده این‌است که‌در این مملکت زودزود انتخابات شود وزود زود مجلس تغییر‌بیاید بهتر است بجهت اینکه سیاست ها زود زود تغییر می‌یابدومردم هم تربیت‌میشوند واز اوضاع مجلس وترتیبات آن مسبوق میشوند ماباید اینجا را مرکز و مدرسه تربیت عموم ملت قرار بدهیم نطق های اینجا ترتیب اینجا سرایت میکند بتمام مملکت ومردم آگاه می‌شوندومی‌فهمندامّا آنچه‌گفته شدطول‌مدت سبب بقای‌مجلس میشود اینهم بکلی هادی ازحقیقت است‌و ابدا برای مجلس فرق ندارد زیرا گر بعداز دوسال دولتی پیدا شدکه انتخابات رااعلان‌نکردچه‌می کنند ؟

برفرض هم چهار سال قرار بدهیم باز تفاوت نمی کند اگر بعداز چهارسال هم اعلان نکرد چه‌میکنند ؟ مجلس را یا باید دولت نگاهدارد یاملت یاخودش اولا هیچوقت مجلس خودش را نمی تواند نگاهدارد •

ثانیاً هیچ دولتی‌هم‌نمی‌خواهدمجلس باشد کدام دولت پیدا می‌شود که‌مجلسی تشکیل بدهد وبگوید بمن اعتراض کن سئوال کن• استیضاح کن•

چکار باین کارها دارد می خواهد مجلس تعطیل باشد وخودش اختیارداشته باشد هرکار می‌خواهد بکند ولوهر قدر دولت خوبی هم باشد بفکر خودش است •

پس مجلس راملت باید نگاهداری کند درممالك دیگر هر دولتی از جاده قانون خارج شود درنزد ملت یاغی است او را نمی خواهند قول و فعلش‌رارسمیت نمی‌دهند•

مالیات بآن دولت نمی‌دهند• قیام می کنند •شورش‌می کنند•می گویند قانون نقضی شده است پس ملت باید مجلس را نگاهداری کند•

اگرمجلس‌منفصل شد وملت‌نخواست مجلس را تشکیل بدهد دولت چه دردی دارد که‌مجلس راتاسیس کند ؟ پس‌ملت باید مجلس رانگاهداری کند دراینصورت اگر مدت چهار یاپنج سال باشدیادوسال باشد هیچ فرقی ندارد وبرای‌بقای مجلس فرقی نمی کند ملت باید حس داشته باشد نفع وضرر وجودوعدم مجلس را بداند و بسنجد البته وجود مجلس خیلی بهتراست وملت‌باید آن‌را نگاهداری کند آن هم همه‌ولایات نه مثل تبریز که بیچاره تنها بماند اینطور نباید باشد • باید همه ملت حرف‌بزنند • همه انتخاب کنند و وکیل بفرستند • اگر اینطور شد قطعاً آن وکیل وکیل ملت است و ملت او را فرستاده •

ملت باید وکیل خودش و مجلس خودش‌را نگاهداری کند•

کسی دیگر حفظ‌نمی کند وکیل‌هم خودش خودش را نمی تواند حفظ کند

پس طول مدت برای بقای مجلس اثری ندارد ودلیل ضرر طول و نفع مضر همان است که عرض کردم و تکرارش تضییع وقت‌است وبنظربنده علاوه برآن که‌قانون اساسی دراینموضوع تغییر نیافته است از بعضی جهات دیگر هم تقصیر بهتر است وهمان‌دوسال کافی‌است•

(بعضی گفتند صحیح است)

رئیس — آقای وحیدالملك مخالفند ؟ •

وحیدالملك — بلی بنده هم باتمدیدمخالفم•

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد •

(اجازه)

تلفون — بنده هم اجازه خواسته ام

رئیس - این اسامی که اجازه داده میشود در جلسه گذشته‌نوشته شده است •

آقای‌دولت آبادی (اجازه)

حاج‌میرزا علی محمد - بنده برای ایران وضع قانون را از اهم‌مسائل می دانم ویکی از چیز هائی که برای مالازم است مسئله تمدید است برای این که مشاهده کرده ایم‌دراین مدت شانزده سال اگر بطور صحت حساب کنیم شاید پنج‌سال ونیم یاشش سال منتهی بدست مجلس بوده وبرای یك مملکت مشروطه که اساس او برروی‌قانون‌است بایدطوری باشد که قوانین لازمه علی‌الاتصال وضع شود پس بنده موافقم با این که طوری تمدید شود که‌در موقع خروج یکربع مجلس از اکثریت نیفتد وطوری باشد که بتواند وظائف خود را انجام‌دهد

آقای‌زنجانی می‌فرمایند درانتخابات انقلابات حاصل‌می‌شود•

بنده مخالفم اگر یك اختلافاتی هم می شود این‌است که داوطلبان میخواهند کرسی‌وکالت رااشغال کنندوآن‌اختلافات هم موجب انقلاب مملکت نیست و اگر چنانچه در مدت چهار سال هر سالی یك ربع از وکلای مجلس انتخاب شوندالبته بصلاح نزدیکتر است • تااینکه یکدفعه تمام‌وکلا انتخاب شوند و تمام مملکت دچار اختلافات شوند اما می فرمایند که نگاهداری اورا هم قانون می کند• ملت هم موافق همان قانون حافظ‌مجلس‌خواهد بود • پس فقط اشکالی که‌داریم‌درقضیه قانون اساسی است • مسئله قانون‌اساسی درنظر بعضی ازآقایان یك شبهه شده‌که آیابیینم این‌مواد واصولی که لغو شده بجای آن‌ها مواد دیگری گذاشته شده شده است که ما آن هارا بسمت قانون اساسی بشناسیم و غیر قابل تغییر بدانیم یانه ؟ خدمت آقایان عرض می کنم که عده وکلا در یك‌دوره صدو بیست نفر معین شده ودر دوره تقنینیه دیگر ۱۴۶ نفر معین کرده اند و اگر چنانچه‌آن ماده بجای قانون اساسی بود بایدهمان‌عده را که انجمن‌آذر بایجان تعین کرده و۱۲۰ نفر قرار داد بهمان عده باشد و هیچ گونه تغییر وتبدیل‌نکند واینکه تغییر کرده معلوم میشود که این‌چندماده بجای قانون‌اساسی نیست و قانون عادی است و حکم قانون اساسی را ندارد . گویا شاهزاده سلیمان میرزا بودند که فرمودند ماده پنجاهم‌دلالت میکند که‌باید مدت‌دوسال باشد این را تذکر میدهم که ماده‌پنجاهم نظربه‌دوسال ندارد .دومطلب‌است که اصل پنجم حاکی است یکی مسئله اول که‌میگوید دوسال‌و یکی قسمت آخر که میگویدیکنوبه بیشتر تجدید منتخبین نخواهدشدونظرش‌به‌قسمت دوم‌ماده است نظر به‌قسمت اول‌ماده ندارد.

بنابراین بنده عقیده دارم که تمدید بهتر است و بصلاح و صرفه مملکت هم نزدیکتر است گذشته ازآن‌در سایرممالك هم همچوقت مدت به‌این کمی نبوده واگر ما در دوره‌اول تقنینیه یك همچو مدتی را برای مملکت مقتضی دانستیم امروزهم‌باید

به‌بینم مقتضی مملکت چیست و بعقیده بنده مقتضی امروزه چهارسال است و چهارسال بهتر است

رئیس- آقای‌وحیدالملك (اجازه)

وحیدالملك — بلی‌دراین‌موضوع بنده یك دلائل خیلی قوی نمی‌بینم که بجهت‌دفاع ازنظریه‌خودم عرض کنم‌چنانچه مخالفین هم یك‌دلائل قوی و منطقی برای نظریه خودشان اظهار نکردند که بنده‌را قانع کنند .

بعضی از آقایان می‌فرمایند که باید دوره مجلس ممتد باشد برای جلو گیری‌از فترت بکنیدوبعضی‌می‌فرمایندخیرجلو گیری از فترت مسئله تمدید کاری نداردانیهم‌یك فلسفه صحیحی است . چنانچه عرض کردم دلائلی که آقایان‌موافقین باتمدید آوردند چندان مقنع نبوده و شاید عرایض بنده هم در زمینه مخالفت با تمدید خیلی مقنع نباشد •

ولی همینقدر عرض می کنم این دلائلی که آقایان فرمودند یك‌دلائلی نیست که ما بتوانیم قانون اساسی وقانون انتخابات را ازبرای رسیدن بآن مقصودی که آقایان در نظردارندتغییر بدهیم‌بعلاوه‌این‌پیشنهادی که آقایان کرده اند که دوره مجلس ممتد و مسلسل باشد هیچ‌سابقه‌ندارد‌فقط‌سابقه که در خارج داردوآقای فهیم‌الملك فرمودند دربلژیك‌است که دوره پارلمانی‌مسلسل‌است ولی آنهم نه‌برای جلو گیری‌از فترت است بلکه متقن بلژیکی خواسته است طریقه انتخاباتش تماماپیك رویه و منظم باشد • انتخابات بلژیك‌برای‌انجمن ایالتی‌وولایتی وبرای مجلس یك‌شکل‌است وچون‌نخواسته اند شکل انتخابات پارلمانی را مخالف با انجمن‌های بلدی وولایتی قرار دهند این است که‌متقن قائل‌شده است‌باینکه‌انتخابات مجلس یکمرتبه‌نشود یعنی‌درهردو سال‌یك مرتبه نصف‌وکلا را انتخاب می کنند• فقط در بلژیك باین‌ترتیب رفتارمی کنندآنهم‌نه برای جلو گیری از ایام‌فترت‌ولی در سایر جاها آنچه‌بنده خوانده ام اینطور نیست و سابقه‌ندارد‌برای‌این که فلسفه‌وحکمت‌مجلس شورای‌ملی برای این‌است که‌تمام‌انتخابات تجدیدشود و تمام مجلس عوض شود زیرا همانطور که افکار عمومی درمملکت تغییر می کند بهمان ترتیب هم‌باید افکار مجلس تجدیدشود این است که مجلس شورای‌ملی چهارم مجلس‌دوم‌نیست مجلس دوم مجلس اول نیست •

مجلس سوم‌مجلس‌دوم‌نیست‌افکارشان بکلی فرق‌می کند این یك چیز منطقی و فلسفی است چنانچه عرض کردم در بلژیك هم برای‌این که شکل انتخابات بیك رویه باشد این‌سیستم را اختیار کرده‌اندو الاازهر قانون دان و متقن بیرسید که وکلای مجلس شورای‌ملی باید تماماانتخاب‌شوندیا یك‌قسمت ازآنها بدون شك خواهد گفت باید تماماً عوض شوندچون محیط فکر و سیاست درخارج مجلس‌فرق‌می کندوبایددر داخل مجلس‌شورای‌ملی انعکاس‌داشته‌باشد این یك امرطبیعی است ومخصوصادرایران وبنده بآقایان خاطرنشان‌می کنم که ازاول مشروطیت تابحال‌افکار و عقاید فرق کرد محیط فرق کرده‌درداخل مجلس‌هم‌بایداین افکار وعقاید یك انعکاساتی‌بکنداین‌است که مانمی‌توانیم این‌فلسفه راکه‌آقایان می فرمایند اتخاذ کنیم‌یعنی‌دوره‌مجلس رامسلسل قرار دهیم .

و اماراجع بطول‌مدت‌دوره‌های‌مجلس معلوم است آقایانی که دوسال‌ازبرای هر مجلس شورای ملی مخصوصا درایران کم است بنده‌ازاین‌نقطه نظر تصدیق می کنم که‌چون چرخهای انتخابات‌ما آنطوری که بایدوشاید گردش نمی کند و خیلی بطی‌و کنداست شایدمصلحت‌باشد که‌دوره‌انتخابات از دوسال تجاوز نکندولی یك‌چیزدیگری هم هست که اگرآن‌را دریك طرف‌ترازو بگذارند و این‌را دریك‌کفه‌دیگر وباهم بسنجند البته خودآقایان تصدیق خواهند فرمود که آن‌نقص زیاد تراست‌و آن این است که چون افکار وعقایددرمملکت زود تغییرمی کند آقایان برای‌نمایندگان دوره پنجم‌خدمتی‌نمی کند که انتخابات آنها را ادامه می‌دهند زیرا افکار ما در ایران دائم‌التغیراست و محیط زودبزودتغییرمیکند بداست یاخوب است‌کار نداریم ولی‌ماباید حقایق خودرا برای خودمان مدرك قرار بدهیم‌چون افکاردائما درحالت‌تغییر است انتخابات هم‌هرچه زود تر نزدیکتر بیك دیگرواقع شود برای‌مجلس وبرای‌حیثیت حکومت ملی‌و استحکام اساس مشروطیت بهتر است این‌است‌عقیده‌که بنده‌دارم‌واز برای حیثیت‌نمایندگان هم خیلی‌بهترمیدانم زیرا اگرنمایندگان در دوره نمایندگی خودشان خوب امتحان بدهند بازتجدید می شوند چنانچه دیده‌ایم آلان هستند در این مجلس کسانی که دردوره دوم‌وسوم بوده‌اندوآلان هم‌هستند وامامداکراتی که راجع باصول قانون اساسی می‌شودبنده‌هم یکی ازآن اشخاص بودم که‌درآن‌زمان‌در این باب‌شرکت داشتم اگر چه شخصا در کمسیونی که مأمور تغییر قانون انتخابات دوره اول بوده نبوده‌ام ولی اطلاعات کامل دارم ودر جزو آقایان ملیون‌بودم • نظر آقایان ملیون این بود یعنی فقط دو نظر عمده برای تغییرقانون انتخابات‌داشتند که یکی راجع بعده‌نمایندگان طهران بود که هشت نفر بودندو این‌مسئله باوجودنفوذی که حکومت محمدعلی‌شاه درطهران‌داشت مخالف بودبامنافعی که‌ملیون‌درنظرداشتند زیرا اگر ازطهران باآن نفوذ حکومتی هشت نفر انتخاب می‌شدندمخالف باحفظ منافع‌مملکت‌بود‌این‌یك‌نظر عمده‌بود که‌آن روز داشتند •

یك‌نظر دیگرشان هم‌این‌بود که این هشت‌نفر که ازطهران انتخاب‌می‌شوندفوراً ومستقیما حق تشکیل مجلس‌شورای ملی‌را نداشته باشند وبغیر از این دو نظر دیگر مقصودی نداشتند این بود که‌کمیسیونی انتخاب‌شدو آن کمیسیون درقانون‌انتخابات دوره‌اول‌مجلس‌شورای‌ملی نظری کرد •

از طرف ملیون‌حسین‌قلی خان نواب مأمورشد که در این کمسیون‌عضویت‌داشته باشدواین کمسیون‌چهارماده‌ازقانون‌انتخابات را درنظر گرفت • نه‌قانون‌اساسی‌را(سوء تفاهم یاسوء تسامح نشود) ٤ماده ازقانون انتخابات‌را کمسیون تجدیدنظر تغییرداد‌و آن ٤ ماده نیز در اصول قانون اساسی ذکر شده بود و چون این تغیر مخالف بود با اصول قانون‌اساسی ذکر شده‌بودوچون‌این تغیر مخالف بود با اصول‌قانون اساسی رجوع کردید به انجمن ایالتی آذربایجان و انجمن‌آذربایجان هم یك اجازه از سایر مراکز گرفت‌و تغییر چهار ماده ازقانون انتخابات راتصدیق کردند چهاراصل از قانون اساسی را تکرار میکنیم سوء تفاهم نشود

در مقدمه آن قانون هم بخوبی این مسئله واضح است اگر آن مقدمه را آقایان به خوانند ملاحظه خواهید فرمود همینطور است که‌عرض‌می کنم

در مقدمه‌می گویدچهارماده انتخابات تغییر کرده‌وچون‌در قانون اساسی اشاره بآن چهار ماده شده بود وتغییر این ماده مخالف بود با اصولی که در قانون‌اساسی ذکر شده‌لهذا برأی ملت رجوع کردند ملاحظه می فرمائید نمی گوید چهار اصل قانون اساسی تغیر کرده وآن چهارماده ماده اول و ماده‌پانزدهم و پنجاه هفتم و پنجاه هشتم قانون انتخابات است اگر آقایان‌بخوانند ملاحظه خواهید فرمود که این چهارماده از قانون‌انتخابات‌تغیر کرده واین چهارماده یکی راجع بعده‌نمایندگان طهران است و یکی راجع بتعداد کلیه نمایندگان است‌ویکی راجع بزمانی‌است که باید مجلس منعقد شود یعنی وقتی که نصف‌بعلاوه‌یك‌کلیه‌نمایندگان درطهران حاضرمی‌شوند آنوقت مجلس شورای‌ملی بطور رسمی می‌تواند تشکیل شود ماده دیگر هم راجع بطرز انتخابات بود که خود بنده پیشنهادی کردم ولی بعددیدم انتخابات دو درجه شد و این یك اشتباه بزرگی بود زیرادر انتخابات دودرجه یك اهمال نفوذ هائی میشد این بود که خود بنده مجدداً جدیت کردم که انتخابات‌یك درجه و مستقیم باشد

درهر صورت آن‌موادی که درمقدمه این قانون انتخابات ذکرمیشود چنانکه عرض کردم مواد یك وپانزده و پنجاه و هفت و پنجاه و هشت‌قانون انتخابات است ولی اصولی که درقانون اساسی راجع به این چهار ماده می‌شود اصل‌چهارم وپنجم وششم وچهل‌ونهم قانون اساسی است و این تغیری‌است که‌انجمن‌ایالتی‌آذربایجان با مشورت سایر مجامع ملی تصدیق کرده اما اصل پنجاهم قانون اساسی به‌جای خود باقی است‌و اصل پنجاهم هم هم مخالف با تمدید است وهم مخالف باتسلسل‌دوره‌های مجلس است

الان برای آقایان آن‌اصل‌راقرائت می‌نمایم‌اصل‌پنجاهم‌می گوید در هر دوره انتخابیه که‌عبارت از دو سال است یك نوبت امربتجدید منتخبین‌بیشتر نخواهدشد یعنی هر دو سال‌یکمرتبه انتخابات تجدید می‌شود

ملك‌الشعراء — خیریك‌مرتبه بیشتر منتخبین تجدید نخواهندشد

وحیدالملك-بنده‌عرض کردم هر دوسال یکمرتبه‌امربتجدید انتخابات بیشتر نمی‌شود پس بموجب تصمیمی که انجمن ایالتی آذربایجان‌اتخاذ کرده است‌دراصل چهارم‌وپنجم وششم‌وچهل ونهم یك‌تغیراتی پیدا می‌شودولی اصل پنجاهم‌به‌جای خود باقی است و دوره‌مجلس‌شورای‌ملی‌دوسال است و هردوسال یکمرتبه انتخابات‌تجدید می‌شود اگر حقیقتا موافقین با تمدید از روی حکمت و منطق یك دلائلی اقامه می کردند که تمدید دوره مجلس شورای ملی جلوگیری از یك مخاطرات وسختی هائی می کند بنده هم موافق با تمدید مجلس می‌شدم ولی‌بنده یك چنین دلائلی نمی بینم وعلی الظاهر تمدید باعث نقض اصل‌پنجاهم‌قانون اساسی است‌وبنده گمان می کنم لازم نباشد بیش از این در این خصوص‌مذاکره شود خوب است این لایحه بکمیسیون بر گردد ودر آن‌جا در سایر موادش یك نظریاتی بشودوچنانچه در موضوع تجدید هم بنده عرض کردم باید در ماده هفتم‌قانون انتخابات و بعضی مواد دیگر آن که قابل اصلاح است نظریاتی‌بشوداو‌بمجلس بر گردد و گمان می کنم لازم نباشد در مسئله تمدید بیش از این مذاکره‌شود

رئیس — آقای‌آقامیرزا سیدحسن (اجازه)

آقامیرزا سیدحسن — بنده‌با تمدیدمخالفم

رئیس-موافق بادوسال‌هستید؟

آقامیرزاسیدحسن-بلی

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه‌نطق)

حاج‌شیخ‌اسدالله — بنده‌عرض

ندارم •

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمدهاشم‌میرزا — آن شب بنده یاد آوردشدم که خوب است اولا در موضوع تغییرقانون اساسی یعنی در اینکه ببینیم این‌چند ماده که‌درقانون انتخابات تغییر کرده‌جزوقانون عادی است ؟ یاجزو قانون اساسی مذاکره کنیم وقتی که‌این مطلب حل‌شد بعد داخل در فروعات آن شدیم‌ولی‌امشب‌دیدم‌آقایان بعنوان‌متفرعات مطلب داخل‌حواش شده واز مطلب خیلی دورمی‌شوند بنده‌هم مجبورشدم ازموضوع پریشب قدری دورشده و جواب هریك از آقایان‌راآنچه بنظرم میرسد عرض کنم•

اولااینکه‌آقای وحیدالملك‌میفرمایند ادله‌اشخاصی قائل بتمدید هستند ضعیف است وهمچنین‌ادله‌خودشان هم‌ضعیف‌است پس‌در اینصورت‌هردوطرف مساوی هستند ولی‌بنده عرض‌می کنم‌تکیه‌بنده بموادقانون اساسی‌است•

اولا وقتی بقانون اساسی مراجعه کنیم می‌بینیم موادی‌راجع‌بانتخابات مثل ماده سوم‌وچهارم‌وپنجم‌راجع بمدت‌انتخابات وعده‌منتخبین وحضورهشت‌نفر که آقایان مکرردر مکررخوانده اند ونگرارش‌زائد است این جمله را هم بطور حاشیه عرض می کنم که‌آقای وحیدالملك فرمودندتمدید در دنیای متمدن هیچ سابقه‌ندارد اولادر بلژیك بنده‌عرض‌می کنم قانون اساسی‌ما هم بعضی‌از موادش ازروی قانون اساسی بلژیك‌وفرانسه نوشته‌شده‌و بعضی از مواد آن‌هم‌برحسب مقتضیات مملکت‌نوشته شده است فرضاًهم درهیچ‌جای‌دنیاسابقهٔ نداشته باشد قوانین برحسب احتیاجات مملکت نوشته می‌شود وهرعقیده را احتیاج تولید می کند همان‌مجلس که‌این‌قانون‌را گذراند بعد ازچند ماه بهمین نکته برخورد زیرا اگربقانون بلدیه مراجعه‌بفرمائید خواهید دید که دوسال راچهار سال قرار داده که هردوسال یکمرتبه نصف منتخبین باید عوض شوند و بعلاوه همان‌وقت که‌قانون اساسی را می‌نویسدتصورمی کردندافتتاح مجلس‌تاموقعی که تمام‌وکلای ایران‌حاضر شوند درمملکتی که نه راه آهن دارد نه وسائل‌حمل‌ونقل لااقل یك‌سال طول‌خواهد کشید تاتمام نمایندگان در طهران جمع شوند و تاریخ‌افتتاح مجلس‌را از روزیکه تمام نمایندگان ولایات حاضر شوند معین نموده‌اند و بهمین جهت‌می توان گفت که دوره‌مجلس‌را درهمانوقت‌هم‌سه‌سال درنظر گرفته بودند•

حالا آمدیم سر مطلب دیگر آقای وحیدالملك فرمودند در این چهار ماده قانون انتخابات بچهاراصل‌از قانون‌اساسی برمیخورد و باین‌جهت در آنوقت به‌آراء عموم وانجمن آذربایجان رجوع کرده‌اند وموادی که بجای آن‌ها گذارده شده جزء قانون‌اساسی است•

معلوم می‌شود آقایان آن هیئت را بمنزله مجلس‌مؤسسان فرض کرده‌اند•

فرض‌می کنم بمنزله‌مجلس‌مؤسسان‌هم باشدهمان‌وقت بمجلس شورای‌ملی اختیار در جرح وتعدیل نظامنامه داده اند که‌هر طورصلاح بدانند تغییر دهدو می‌بینم همان مجلس‌دوم آن قانون را ازقوانین اساسی جدا کرده‌و جزوقوانین متعارفی نموده و تغییر داده است و اگربفرمائید در اصل پنجم قانون اساسی می‌نویسد دوره مجلس دوسال است واصلاپنجاهم هم‌بدوسال‌اشاره نموده وچون در قانون انتخابات هم‌دوسال معین‌شده پس قسمت‌دوسال تغییر نکرده و جزء قانون اساسی‌است آقای‌ملك‌الشعراء توضیح دادند اگرمجلس میخواست همان دو سال را بنویسد ونظرش این بود که مسئله دوسال قابل تغییر نیست چنانچه در اصل پنجم نوشته می‌نوشت دوسال تمام •

پس اینکه‌می گویددوره‌مجلس‌دوسال‌شمسی است‌ازاین‌تصرفات‌معلوم می‌شود که جمود بلفظ نداشته اندبلکه قانون انتخابات را بمنزله قانون عادی متعارفی دانسته و خودش را ذیحق دانسته است که هر طور بخواهند تصرف‌بکند منتهی در موضوع مدت دوره تقنینیه موافقت کرده که دو سال باشد و اما ادله‌که شاهزاده سلیمان میرزا برای جلوگیری از ایام فترت و ادامه مجلس‌بیان فرمودند که هر وقت مجلس نیست مردم مالیات ندهند اگرچهٔ انشاءالله دیگر کودتانصیب ایران نخواهد شد و اشخاص غاصبی روی کارنخواهد آمد

ولی اگر یك کسی غاصبانه زمام - امور را در دست بگیرد و بتواند درب مجلس‌را به‌بیندوچطورمالیات‌را نمی‌تواند بگیرد؟

اگر سیصد ماده قانون‌هم بگذرانیم که مالیات ندهند بازهم خواهندگرفت

البته این ها دلیل نمی شود و اما نظریه آقای گازرانی و آقا شیخ محمد حسن راکه بنده از مطلب خیلی دور می‌دانم و گمان می کنم خودشان هم از عقیده‌شان برگشته باشند

زیرا در دوره دوم‌وقتی‌مسئله امتداد پیش آمد و از ولایات نوشتند مجلس را ممتد کنند تا وکلای دوره سوم انتخاب شوند تقریباً چهار روز این موضوع‌طول کشید •

ولی آقای حاج آقا مخالف بودند وقتی که رأی به امتداد داده شداز مجلس بیرون رفتند و دیگر نیامدندواگرآقایان درعقیده خود محکم باشند مطابق‌عقیده ایشان این قانون انتخابات موضوع ندارد در این صورت‌بودن ایشان در مجلس‌چه صورتی دارد•

ولی بنده‌تمام قانون‌انتخابات‌راصحیح می دانم و جزوً قوانین متعارفی می - شناسم •

یك کلمه هم در جواب آقای‌زنجانی عرض می کنم در چهارم صفر سنه۱۳۲۹ که شاهزاده سلیمان میرزا از طرف‌بیست ودو نفر مأمور بودند اظهارعقیده بکنند فرمودند انتخابات مخفی و مستقیم‌وعمومی باید باشد و سواد را هم شرط ندانستندو در خصوص قانون انتخابات هم‌دمکرات‌ها یك هیاهوئی در مسجد شاه کردندحالا اگر دمکرات ها دو قسمت شده اندویك دسته سوادیون شده اند و فقط به سواد دارها حق رأی می دهند و دسته دیگر به بی سواد ها هم‌حق رأی می‌دهند بنده عرضی ندارم•

رئیس — آقای آقا میرزا سید حسن

(اجازه نطق)

آقامیرزا سیدحسن کاشانی- این چند شبی که راجع به تجدید نظر در قانون انتخابات مذاکره شد معلوم شد نظر آقایان دوچیز است :

یکی‌اینکه طرز انتخابات صحیح تر و بهتر بشود و دیگر اینکه‌مدتش‌زیادتر بشود •

ولی به‌عقیده بنده این اشتباه است تمدید و غیره تمدید فرق نخواهد کرد و مثل اینکه سابق انتخابات در تحت نفوذ متنفذین انجام خواهد گرفت وبعلاوه‌تمدید مخالف با اصل پنجاهم قانون اساسی است •

ماراه اصلی را رها کرده ایم و به حواشی‌وفروعات می‌چسبیم•

بعقیده بنده باید از دولت بخواهیم که اعلان انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی را بدهد تا از این مشکلات جلوگیری بشود

الان که مجلس شورای ملی منعقد است وعده ازوکلاهم اعتبارنامشان گذاشته است هنوز به مرکزحاضر نشده‌اندبرفرض که قانونی‌هم وضع کنیم‌وبرای‌زمان‌مجلس شورای ملی تمدید را قائل شویم بعقیده بنده اینها جلوگیری از فترت نمی کند و یگانه راه برای حصول این مقصود همان تشکیل انجمن های ایالتی وولایتی وبلدی است که باید در این ایالات‌وولایات‌منعقد باشد و نظارت در جریان انتخابات نماید که انتخابات بطور سریع و صحیح واقع شود•

رئیس — آقای ملك‌الشعراء

(اجازه نطق)

ملك‌الشعراء — مطلب‌بعقیده بنده ساده و مثبت‌بود که تصور نمی کردم این اندازه در اطرافش صحبت شود متأسفانه چون صحبت زیاد شدبنده هم ناچارم‌جواب راطولانی‌عرض کنم •

یك قسمت از اجوبه بنده راشاهزاده محمد هاشم میرزافرمودند•

دلائلی که ما برای لزوم‌تمدیدادامه کردیم فوق‌العاده ساده و مختصر بود. و در عوض جواب هائی که‌شنیده میشدخیلی درهم‌و بعقیده بنده با یك نتیجه‌غیرمشمشع بنظر می‌آید•

یك قسمت شاهزاده سلیمان میرزا در جلسه گذشته بیان فرمودند و بعقیده خودشان فوق العاده جامع الاطراف بود مسئله مالیات بوده و تصورمی کردند این یك حربه قاطعی برای جلوگیری‌از ایام فترت خواهد شد و حال آنکه بطوریکه گفته شد دولتی که بتواند درب مجلس‌را به‌بندد بطور یقین می تواند مالیاتی راکه مجلس دادن آنرا تصویب‌نکرده بگیرد• الان با بودن مجلس مالیاتی راکه از مجلس‌نگذشته دولت می گیرد و مانعی - توانیم یا نمی خواهیم حرف بزنیم پس وقتی دولتی پیدا شد که از بی‌حسی یك ملتی استفاده کرد ویك مجلس را قهراً بست و یك جنایت اجتماعی رامرتکب شد آنوقت می تواند مالیات را هم از رعیت جبراًبگیرد و اگررعیت آنقدر قوی بود که مالیات بدولت ندهد اجازه کودتابه‌آن دولت نمی‌داد و از انفصال مجلس‌جلو — گیری می کرد واورانگهداری می‌نمود• امیدواریم در آتیه در سایه نیات حسنه نمایندگان محترم و تمدید ادوارتقنینیه‌ودر سایه‌تسلسل پارلمانها و ممانعت ازایجادایام فترت افکار عمومی تقویت شوددر نتیجه توسعه معارف و مدارس با سواد وبوظیفه خود آگاه‌شوندوبتوانند از کودتاوجنایت های اجتماعی و سیاسی‌جلوگیری کنندودر غیاب مجلس بدولت مالیات ندهند و بر ضد آن دولت قیام کند وبالاخره‌اصل‌ثابت قانون‌اساسی‌را که‌می گویداصول‌مشروطیت جزاً وکلا تعطیل بر دار نیست تکیه‌گاه خود قرار داده و نگذارند دولت به لبت خودش عمل کند

پس به عقیده بنده این دلیل‌حضرت والاکافی نبوده و اما راجع باین‌چهاراصل قانون اساسی‌مکرر عرض کردم‌آن چهار ماده قانون اساسی درنتیجه‌مراجعه به‌آراء عمومی بی اثرشده‌است و بجای آن‌هایك قانونی به‌اسم قانون انتخابات نوشته شده است که آن قانون انتخابات‌هم در دوره دوم باحضورخود آقایان نمایندگانی که در این دوره تشریف دارندعوض‌شده‌است و چهار اصل دیگر بجای آن وضع‌شده‌به عقیده بنده این‌تصورصحیحی نیست زیرا ما

می بینم بجای این‌چهار اصل‌چیزی‌درقانون اساسی گذارده‌نشده واین‌چهار اصل‌بجای خودهست‌ولی‌بی‌عقیم‌است‌واگراین‌چهاراصل قانون‌اساسی‌عوض‌می‌شددرنتیجه‌فرائندملت به مجلس‌آینده حق‌میداد که‌این‌چهاراصل را بجای آن چهاراصل بگذارند آنوقت باید این قانون را از بین‌ببرند ومجدداًیك قانونی بنویسندواین چهار اصل‌را بجای آن چهار اصل بگذرانند ...

سلیمان‌میرزا- تقصیر کیست ؟

ملك‌الشعراء — بهرحال متأسفانه این کاررا نکرده اند درقانون انتخاباتاهم که اینجاخوانده‌شد ملاحظه فرمودید که صریحا نوشته این چهار ماده الغاء شده‌وبا اثراست ، یك‌حربه قاطع حضرت‌والامسئله مالیات ندادن بود ودومشان اصل پنجاهم قانون اساسی است که به عقیده بنده هسته اعتراضاتشان غیراز این‌دومسئله‌چیزدیگری نبود جواب قسمت اول عرض‌شد . راجع‌به اصل پنجاهم گفته‌شد نتیجه‌این اصل‌مسئله دوسال نیست برای اینکه‌هراصلی ازاصول قانون اساسی باید دارای یك هسته های مستقل ویك‌موضوعات بالاستقلالی باشد که آن اصل بواسطه آن هسته وآن‌موضوع مستقل شناخته شود همچوقت دیده‌نمیشود یك هسته ویك موضوع مخصوصی در دو اصل جزو اجزای مستقله آن‌دو اصل‌قرار داده شود وبعقیده بنده این‌هم منطقا غلط است وهم عملا زیرا اگر هسته‌وروح‌اصل پنجاهم مسئله دوسال باشد دیگر این اصل بااصل پنجم هیچ تفاوتی نخواهد داشت وبعقیده بنده و بعقیده قسمتی از آقایان‌یك تکراری است که درقانون اساسی شده پس اینطور نیست‌وحقیقت‌این‌اصل وقسمت معنی دار اصل پنجاهم این‌است که درهر دوره تقنینیه ممکن نیست بیش از یکمرتبه مجلس بسته‌شودوبیش‌ازیکدفعه‌ممکن‌نیست انتخابات‌تجدیدشودمنتهی‌عبارت‌قدری‌پیچیده است وهمین مسئله آقای‌وحیدالملك رابشبهه انداخت اصل پنجاهم میگوید وهر دوره انتخابی که عبارت ازدوسال است یکنوبت امر به تجدید منتخبین بیشتر نخواهد شد یعنی بیش‌از یکنوبت نمیشود مجلس‌رادر یك دوره تقنینیه بست

(جمعی گفتند صحیح‌است)

سلیمان‌میرزا- خیراینطورنیست

ملك‌الشعراء — اصل‌چهل‌و هشتم میگوید هر گاه مطلبی که‌ازطرف‌وزیری پس ازتنقیح وتصحیح‌درمجلس سنابه‌مجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت درصورت اهمیت‌مجلس ثالثی مرکب ازاعضاء مجلس‌سنا ومجلس‌شورای ملی بحکم‌انتخاب اعضاء دومجلس‌وبالسویه تشکیل یافته در ماده متنازع فیهارسیدگی می کند .

نتیجه رأی این مجلس‌را در مجلس شورای‌ملی قرائت می کنند اگر موافقت دست داد فبها و الا شرح مطلب‌رابعرض حضور ملوکانه میرسانند هر گاه‌رای‌مجلس شورای‌ملی‌را تصدیق فرمودندمجراًمیشود اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدیدمذاکره و مداقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل‌نشد و مجلس سنا با اکثریت دوثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان همایونی بانفصال مجلس‌شورای‌ملی‌صادر می‌شودواعلیحضرت همایون درهمان فرمان‌حکم بتجدیدانتخاب می فرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق‌رامجدداً انتخاب کنند واصل پنجاهم برای تکمیل این‌اصل می گوید که در مدت دوسال بیش‌از یکدفعه محال‌است این قضیه‌واقع‌شود حالا دوره‌تقنینیه‌هرقدر می‌خواهد باشد دریك دوره تقنینیه‌بموجب اصل پنجاهم بیش از یکدفعه نمی‌شوداین عمل‌را کرد .

سلیمان میرزا — این تفسیر غلط است .

ملك الشعرا - سلیقه بنده اینطور می گوید که مقصود از اصل پنجاهم این است که بیش از یکدفعه نمی توان در یك دوره تقنینیه انتخابات نمایندگان‌را تجدید نمود •

این ماده می‌خواهد بگویدکه در هر ماه وهرهفته پادشاه و هیئت‌وزراء ومجلس سنانمی‌توانند باهم بسازند ومجلس‌شورای ملی‌را تعطیل کنند .

این‌را هم عرض می کنم که بنده‌باین اصل معتقد نیستم و حتی‌الامکان‌سعی‌دارم مجلس‌سنا تشکیل نشود ولی بنده تصور می کنم که‌برای‌تکمیل‌اصل‌چهل‌وهشتم‌اصل پنجاهم نوشته‌شده .

یك قضیه دیگری‌هم حضرت‌والا در نطقشان فرمودند که اگر بنا باشد همیشه رفراندم بشوددیگر قانون‌اساسی نخواهیم داشت ...

سلیمان‌میرزا — بنده‌همچه چیزی نگفتم ....

ملك‌الشعراء - اگرنفرمودیدبنده هم دیگر تعقیب نمی کنم .

سلیمان میرزا — بنده گفتم اگر قانون اساسی تمام موادش رفراندم می‌شد پس حالا بایستی‌قانون‌اساسی نداشته‌باشیم

ملك‌الشعراء- شرحی‌هم راجع‌به تفسیر بعرض اصول قانون اساسی فرمودند که اگر جمعیتی که ایشان‌جزوآنها هستند در آتیه اکثریت پیدا کنند آن مواد را اصلاح می‌کنند .

البته همین مراجعه بافکار عمومی و تفسیر این چهار اصل دلیل بر این‌است که بعضی اصول قانون اساسی عملی نیست یا با مقتضیات وقت مناسبت ندارد وخود این مسئله می‌فهماند که بعضی از مواد قانون اساسی بایستی‌اصلاح‌شود و بایدیك‌مفتاحی معین‌نمود یا بوسیله رفراندم بنمایندگان دوره پنجم اختیار داد که قانون اساسی‌را بموجب مرام آزادیخواهان و ملیون حالیه ایران‌اصلاح کنند و البته بنده‌هم باحضرت والا هم‌عقیده‌هستم و اما راجع بمسلك هم که در اینجا صحبت‌شده. بنده خواستم متذکر شوم که مسئله تمدید مدت مربوطه بمسالك سیاسی و اجتماعی نیست زیرااین مسئله در درجه دوم است و از قضایای عادی‌است و اگر بنده در این مسئله با حضرت والا مخالف باشم در مسلك من تغییری پیدا نشده .

مسلك بنده دموکرات‌است‌ودرمسلك خودم مخالفتی با تمدید نمی بینم آقای زنجانی هم شرحی فرمودند در صورتی که در کمیسیون خیلی صحبت کرده بودیم و بنده تصور می کردم در آنجا اقناع شده اند ولی باز حالا عدم اقناع خودشان را اظهار کردند و جوابهائی‌هم بایشان داده شد فقط یك مسئله از بعضی‌آقایان شنیده می‌شود وآن‌اینست که ما همیشه‌درقضایائی که داخل می‌شویم از نقطه نظر بدبینی و و پس مستی جلوبرویم همیشه‌فکر هائی که برای ما پیش‌می‌آید از نقطه‌نظر بند بودن جریانات آینده است هیچوقت‌ازنقطه نظر نیك‌بینی یا حدمتوسط و طبیعی نیست مثلا آقای زنجانی می‌فرمایندا گر در یك گوشه‌مملکت انتخابات بشود درتمام‌مملکت دائماً انقلابات درجریان‌است.

درصورتی که انتخابات با انقلابات‌هیچ مناسبت ندارد. انتخابات مجلس‌شورای‌ملی نتیجه یك هیجانها و تراوش حسیات‌عمومی است هیچ مربوط‌بانقلاب‌نیست‌بنده‌طرفدار خمودگی ملت نیستم و نمی خواهم مجلس شورای‌ملی وهیئت‌وزراءمثل آخوندمکتبی چوب در دستشان باشد و مردم هم مثل بچه‌های مکتبی راه‌بروند وهوالفتاح‌العلیم بخوانند .

بنده وشما باید وسیله تموجات‌فکری عمومرا فراهم کنیم و باید مردم‌رابهیجانها و تموجاتی که در تحت نظر قانون اداره می‌شود و برای پیش‌بردن مسلك وموفقیت حزبی ومظفریت عقیده‌تشویق وترغیب کنیم . این‌رابانقلاب تشبیه‌نفرمائیداگرچه خودانقلاب هم‌مقدس است ولی‌یك مسئله است غیراز قانون بنا براین بنده چون بدبین نیستم خیلی‌خوش وقت میشوم که هرسالی یك‌ثلث یایك ربع یایك‌خمس‌نمایندگان درایران‌انتخاب‌شوند وهمیشه یك‌تموجها ویك نوسانها و اهتزاز های روحی وفکری‌درمملکت باشد وببینیم درفلان‌گوشه مملکت آن‌حزبی که مابه او علاقه داریم وباومنسوب هستیم درانتخابات موفق شده است وهیچ‌وکیل بیش‌از سایر احزاب درموقع انتخابات‌دارد مابایدهمیشه نیك‌بین باشیم . مثلا بعضی اظهار میکنند شاید مردم ازوکل راضی نشدند این از نقطه نظر بدبینی است مابایدسعی کنیم واقدام بنمائیم که درمملکت احزاب سیاسی بااصول محکم ودیسیپلین های عالی پیدا شوند وبالاخره انتخابات آینده را بدست یك جمعیتهای سیاسی بدهم که درهر دوماه یکدفعه عوض نشوند ونظرآنها بطوریکه آقای وحیدالملك فرمودند افکار درایران زود عوض میشود برای اینکه افکار ریشه دار کم است و احزاب ازبین رفته اند و اختلافات‌جمعی وسیاستهای متلون پشت‌سر هم‌ایجاد شده یك‌روز اولتیماتم داده‌اند و یك‌روز جنك عمومی پیداشده وبالاخره‌یك روز اقدامات آلمان و اطریش و عثمانی ایجاد ویك‌حرکاتی درایران کرده است یك‌روز فتح متفقین در ایران تأثیر کرده ویك‌روز انقلاب روسیه وهمینطور درعرض هشت سال مملکت تا دستخوش یك وقایع عظیم سیاسی بود واین اختلافات افکار و رعشه‌های‌فکری وعقیدتی‌بواسطه اختلافات وموجهای سیاسی است والا خود ایرانیها هیچ حاضر نیستند وشاید اخلاق ایرانی اجازه نمیدهد که هرچند روز عنصرایرانی دارای فکر خاصی باشد بلکه یکی از اعتراضات مابعنصر مترقی مسئلهٔ تعقیب و جمود بود است حالاآن ثبات فوق العاده که بحد افراط رسیده بوده و مستقر بود مبدل بتلون فکر وعقیده سیاسی شده‌است این تلون عقیده سیاسی هم برای قضایای خارجی وضعف مملکت است •

هرج ومرج قوا مملکت راتمام کرده ادوار فترت وخود سری رجال خون ملت راگرفته است اینست که هرتغییر سیاسی دردنیا پیداميشود در مملکت مافورا تأثیر اوآشکار میشود مثلا در کنفرانس ژن‌یك قضایائی پیدامیشود فورامی‌بینیم درتهران درمحله دولت تأثیر می کند باید این چیز هارامرتفع‌نموده وباادامه مشروطیت‌وایجاد احزاب سیاسی ملتین ومحکم وثبات عقیده کار کرد•

یکی ازاصول عقایدبنده ادامه است وششسال قبل‌هم که روزنامه‌مینوشتیم مکرر گفته‌ام دولتهای مابایدا اقلا پنجسال دوام پیدا کند آنوقت زمان کابینه مرحوم علاء السلطنه بود حالاهم همان عقیده رادارم‌و یگانهٔ بلای مملکت که مملکت را ضعیف و دستخوش امواج خارجی کرد و نتیجه‌اش ارتعاش افکار وزودزود عوض شدن افکار است بطوری که آقای وحیدالملك فرمودند بحرانهای متوالی است که درمملکت پیش می‌آید•

درمملکتی که۳ماه یکدفعه کابینه‌اش عوض میشود البته نه‌ثبات می‌ماند نه‌حزبی ایجاد می‌شود . نه سیاستی باقی می‌ماندنه نقشه اصلاحی‌کشیده‌میشود ونه‌حزبی دوام می کند . مابایدباصول دوام موافق باشیم پارلمانهای مابایدا دوام‌داشته باشد نه‌اینکهٔ

مثل مدرسه باشد که یکعده‌یی اطلاع‌وارد آن‌شده ویك کلاس ناقصی‌را طی نموده و خارج شوند تا تمام اوقات پارلمان صرف تنظیم کلاس‌ها و تربیت آقایان بشود. باید بوسیله ایجاد احزاب‌سیاسی‌وجماعات‌وطنی‌انتخابات پارلمان را پیش برد . باید عوض اینکه ناله می کنم شاید موکلین از وکلایشان راضی نبودند وخواستند تجدیدشان نمایند سعی کنیم حزب ایجاد نمائیم و جرائد آبرومند شرافتمند تهیه کنیم وبعد ازتمام اینها وکلای اکثریت را در روی این کرسیها بنشانیم تامملکت‌را بکلی خراب ویاآباد ازحال احتضار خارج نمایند.

عقیده بنده موافق امتداد است . بنده در دولت ها باامتداد موافقم ومیل دارم دولت ها وکابینه ها لااقل شش یاده سال دوام داشته باشند همین طور راجع بپارلمان هم باید بتمدید قائل‌شد نباید مأیوس شد باید امیدوار باشیم که با این وسائلی که عرض کردم عوض آنکه عقیده موکلین هریك ماه بیك ماه عوض شود ده سال بده سال یك احزاب‌قوی‌مثل احزاب‌سایر دول‌اسلامی وملی عالم پیدا شوند واکثریت پارلمان را ببرند

اینرا هم‌نمی توان گفت که اگر وکیل دوام پیدا نماید در وزارتخانه ها را پیدا نمود واعمال نفوذخواهندنمود زیرابعقیده بنده وکیل‌بد قبل از اینکه بمجلس بیاید راه وزارتخانها را می‌داند ودر آن جا ها کار کرده وهوچی‌بوده است بعد کارقاچاق کن‌شد وبالاخره لیدریك دسته بزرك یا کوچك گردیده وبعد پارلمان آمده است پس از این راه نباید نگرانی داشت زیرا بدبختانه بچه‌ها هم امروزراه وزارتخانه ها را می‌دانند وراه اعمال نفود وتهدیدبوزیر را یاد گرفته‌اند شاید می خواهیم خودمان را فریب بدهیم

چنانچه عرض کردم ما باید حوزه و حزب داشته باشیم و اکثریت را بوسیله احزاب سیاسی ببریم وبالاخره کاری بکنیم کەوزراء بدانند مجلس دراعمال تمام آنها نظارت می کند ومسئولیت خواهند داشت همیشه خیال می کنم وکیلی که بمجلس می آید باید وکیل گدا وکارچاق کن باشدو بوزارت خانه‌ها برود وهمیشه موکلین از او ناراضی باشندبعقیده بنده این‌بدفکری وفکر پس‌میستی‌است وبایداز دفاع‌خودمان این افکار را خارج نمائیم آقای زنجانی بمسئله تمدید اعتراض دیگری کردند و اگر در آخر پنج سال دولت انتخابات را تجدید نکرد چه باید کرد که به عقیده بنده اگر ما تمدید با تسلسل را قائل شویم هیچوقت خاتمه برای‌دوره‌های مجلس تصور نخواهم‌کرد زیرا دوره ها [illegible] بهم پیوسته است ودرتحت نظارت‌خود نمایندگان دولت مسئول امر انتخابات می باشد.

بلی‌اگر یکدفعه دوره های مجلس خاتمه پیدا نماید (چنانچه حالاهم‌همینطور است) این‌ایراد آقای زنجانی‌وارد است و ماهم‌بهمین‌جهت است که بدوسال‌اعتراض می‌نمایم زیرا دوره مجلس یك دفعه تمام می‌شود .

عقیده بنده بتسلسل دوره‌ها است برای این است که اگر پنج سال باشد همیشه لااقل چهار خمس ازنمایندگان‌در مجلس هستنددولت هم‌نمی تواند وکلائی که‌هنوز دوره وکالتشان سرنیامده خارج کندوهم نخواهد توانست در امر انتخابات مسامحه نمایدوالبته بابودن‌اکثریت مجلس نمی‌تواند بتعلل وطفره بگذراند.

بلی اعتراض آقای زنجانی‌درصورت تعطیل دوره‌های مجلس وارد است‌چنانچه درمورد دوسال هم وارد می‌باشد.

پس‌در این جا من‌وشما هردو شریك هستیم‌همچنین اعتراض آقای‌وحیدالملك‌هم بتسلسل ادوار تقنینیه‌وارد نخواهدشد زیرا امیدواریم نظربه اصلاحاتی که در دوره آینده درقانون اساسی‌می‌شود آن‌نگرانی ها که حضرت والا درچندجلسه قبل در مورد مجلس‌سنا و شاه ووزراء فرمودندرفع شود وبرفرض هم که مقتضیات‌ملت وافکار عمومی‌و جمعیتهای سیاسی موفق شدند که مجلس‌سنا باشد درآن‌صورت هم اگر ما اصل‌پنج سال‌یاسه سال را برای دوره‌های مجلس قائل‌شویم در آن مدت پنج سال یکدفعه بیشتر شاه‌حق‌عوض کردن مجلس را نخواهد داشت.

آقای‌وحیدالملك‌فرمودند‌تسلسل‌دوره‌های مجلس‌درهیچ‌جای دنیاسابقه‌ندارد‌بنده عرض میکنم بازمسئله تسلسل چنانکه فرمودند دربلژیك‌سابقه داردولی‌دوسال که بهیچوجه سابقه ندارد وتصورمی کنم در موقعی که قانون اساسی را نوشته‌اند وازبرای دوره تقنینیه دوسال مدت معین نموده‌اند درتحت نفوذی بود ومتأثر‌بتأثیرات درباری‌بوده‌اند وازطرف دربار محمدعلیشاه مخلوع یك نفوذی اعمال شده بوده است والا آنهاهم برای دوره تقنینیه دوسال تعیین نمی‌نمودند امروز که ماهم‌متأثر‌بتأثیرات دربار ظالم‌سفاك نیستیم وخوشوقتانه هیچ وقت هم نخواهیم بود. بایستی‌آن مسئله را جبران نمائیم و بامتداد قائل شویم و اذعان نمائیم که هرقدرآقایان مخالفین بخواهند با دلائل خیلی ضعیف ثابت نمایند که این ترتیب مضراتی دارد بازهم باید تصدیق کرد که منافع‌آن خیلی زیادتر می‌باشد که یکی‌از آن منافع جلوگیری از ایام‌فترت‌و همان منفعت درمقابل هرضرری که‌تصور‌بفرمائید کافی است

قانون دولتی ازملت ایران سلب‌شده وایام فترت نگذارده توده ملت ورنجبران وبرزگران آشنا بقوانین بشوند ما اگر بتوانیم بوسیله تمدیدازاین عوامل‌بدبختی جلوگیری کنیم این خود یك خدمت گرانبهائی بمملکت‌خواهدبود وبکلی آن احتمالاتی را که در اطراف این مسئله میرودتحت‌الشعاع‌خواهد گذاشت وبالاخره بازناچارم که مجدداً عرض کنم که دلائل موافقین تمدید بطورخلاصه ازقرارذیل‌است اولا بی‌اثرماندن چهاراصل قانون اساسی که قائم‌مقام آن اصول یك قانون عادی شده وآن قانون عادی هم درمجلس دوم تغییرپذیرفته وما هم‌حق داریم آن راتغییر بدهیم. ثانیاً جلوگیری از ایام فترت

ثالثاً تجربه یافتن نمایندگان

رابعاً علاقه‌مند شدن مردم‌بنمایندگان و حکومت شوروی وایجاد احزاب قویه سیاسی و بالاخره هزاران دلیل دیگرحال اگر آقایان دلائلی دارند که‌باعدم تمدید نیز میتوان ازادوار فترت و غیره جلوگیری‌نموده‌بشرط‌آنکه دلائل آنهانیز حقیقت نباشد که بتوانند مخالفین راقانع نمایند بفرمایند تاما هم اگردیدیم با آن ترتیب ازمسامحه دولت در امر انتخابات (مثل انتخابات آباده‌وغاروورامین که‌چندین ماه طول کشید) جلوگیری خواهد شد و بالاخره اگر دیدیم مثل مسئله انتخابات طهران که‌پس ازفریاد های زیادمردم از رجب ۱۳۳۶ شروع‌شده‌و بواسطه‌تحریك خود دولت یکدفعه‌تامحرم ۱۳۴۰ تاخیرشد نخواهد شد ماهم قانع خواهیم شد‌خاتمتاً هم بایستی عرض کنم که ازخارج شنیده‌ام دربین بعضی از هموطنان ماگفته میشود مجلس می‌خواهد برای همین دوره چهارم تمدید را قائل شود این است که بنده‌یاد آوری می کنم این نشریات بی‌مورد بوده وماحق نداریم برای خود تمدید مدت را قائل شویم بلکه مابرای‌دوره پنجم تقنینیه وبعد زحمت می کشم

رئیس - چند دقیقه تنفس‌میشود

(جلسه برای تنفس تعطیل و پس‌از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس — آقای حائری‌زاده

(اجازه)

حائری‌زاده — بنده لازم‌میدانم این جمله را عرض کنم که‌اول بایدمطلب را تفکیك نموده که آیا مخالفت باقانون اساسی یا صلاح بودن تمدید وعدم تمدید موضوع بحث ماست اما راجع بمخالفت قانون اساسی یك شرحی آقایان مذاکره فرمودند و بنده‌لازم نمیدانم‌دراین‌موضوع مذاکره شود برای اینکه این مسئله از مسائلی است که دربدو انتخابات دوره پنجم محل حاجت نیست بلکه بعد از انقضای‌یك یا دو سال از دوره پنجم‌محل حاجت خواهد شد واگرچنانچه در موقع انتخابات جدید بمردم اخطارشود که یك اختیاراتی بنمایندگان دوره پنجم راجع به مداقه درقانون اساسی بدهند البته این اشکال هم رفع خواهد شد .

اگرمخالفت با قانون اساسی‌نداشته باشد رای این مجلس را تصویب خواهند نمود واگرهم مخالف با قانون اساسی بدانند ترتیبی خواهندداد اماراجع‌به‌اینکه مصلحت‌درتمدید است‌ویا درانفصال مجلس آقایانی که‌طرفدار انقطاع مجلس هستند بنده نفهمیدم که دلیل مقتضی داشته باشند وچنانچه درجلسهٔ گذشته عرض کردم‌دراین چند ساله مشروطیت این مسئله به تجربه رسیده است که مجلس اگر چه بعضی از نمایندگانش هم مرضی عامه نباشند باز وجودش‌بهتر‌ازعدم‌اواست‌وبرای‌اینکه‌مجلس فاصله پیدا ننماید وفترت پیدا نشود هیچ راهی غیرازاین که سالی یك مرتبه‌انتخاب ثلث یا ربع نمایندگان تجدید بشودبنظر نمی‌رسد وگمان میکنیم بیش از اینهم مذاکره دراین موضوع‌موجب تضییع‌وقت مجلس باشد .

رئیس - آقای اقبال‌السلطان

(اجازه)

اقبال‌السلطان - متاسفانه‌درموقعی که مذاکره می‌شود آقایان موافقین ومخالفین به اصل موضوع که مطرح بحث است‌جواب نمی گویند وبه شاخ‌وبرك پرداخته وجواب منضمات را میگویند آقای سلیمان میرزا درجلسه گذشته یك اعتراضی فرمودند که بنده منتظر جواب آن ازطرف موافقین با تمدید بودم وبدبختانه جوابی نشنیدم . اعتراض شاهزاده این بود که‌دردوره دوم ازملت اجازه خواسته شد که چهار اصل قانون اساسی را که راجع به انتخابات است تغییربدهند واین اجازه ازطرف ملت داده شده . یکی ازآن اصول اصل پنجم‌بود که منتخبین را برای دوسال تعیین نموده و ابتدای آن را از روزی قراد داده که منتخبین ولایات تماما در طهران حاضر باشند واین اصل یك مشکلاتی داشت چون جمله اول‌آن دلالت می کند که منتخبین برای دوسال تمام انتخاب‌میشوند وجمله دوم این است که‌ابتدای آن مدت ازموقعی است که منتخبین ولایات تماما در طهران حاضر باشند ودر این صورت ممکن بود اصلا یك ولایتی میل نداشته باشد وکیل انتخاب کند آنوقت با این ترتیب مجلس نمیبایستی تشکیل گردد . وقتی بااین‌مشکل‌برخوردند اجازه‌خواستند این اصل را اصلاح نمایندو بعدازتحصیل اجازه جمله اخیر را اصلاح کردند وجمله اول رابحال خودباقی گذاردند یعنی‌جمله

اخیر را باین‌طور اصلاح کردند که هر وقت عده نمایندگان حاضره در طهران بالغ بنصف بعلاوه یك‌شد پارلمان رسما مفتوح خواهد شد ولی جمله اول را که مدت دوسال است تغییر ندادند بجهت این که اصل‌پنجاهم به‌حال خود باقی مانده چون اصل پنجاهم می گوید در هردوره انتخابیه که عبارت ازدوسال‌است الی‌آخر از این اصل معلوم می شود که دوره مجلس بیش‌از دو سال است‌ممکن نیست باشد . دراین خصوص ازآقایان‌موافقین جوابی نشنیدم مخصوصا دلیل عده آقایان موافق با تمدید جلوگیری ازایجاد دوره فترت بوده . بنده هرچه فکر می کنم میبینم بتمدید مدت جلوگیری ازایجاددوره فترت نخواهد شد. بجهت اینکه اگر انتخابات بموقع خود تمام نشود ربطی بتغییر ماده ندارد. درسنه ۱۳۳۵ شروع بانتخابات کردند و تاحالا که ۱۳۴۰ است هنوز بعضی انتخابات خاتمه نیافته .

البته یك موانعی موجود است که باعث طول مدت انتخابات می‌شود . آقای ملك‌الشعراء فرمودند که‌اگر دوره‌تقنینیه ۳سال یا۵ سال باشد بطوریکه درهرسال یکقسمت از وکلاء حاضر شوند دوره پارلمانی قطع‌نخواهد شد بنظر بنده این کار یك اشکال دیگری داره وآن این است که اگرمسامحهٔ درانتخابات آن یك ثلث یایك ربعی که‌باید هرساله‌انتخاباتشان تجدید شود واقع شود آنوقت چه باید کرد ؟

وکی مواخذ خواهدنمود . . . . .

ملك‌الشعراء - مجلس

اقبال‌السلطان — مجلس هیچ وقت مواخذه نمی کند . مجلس همیشه میل دارد دوره تقنینیه ده سال باشد بنا براین از دولت مواخذه نمی کند که‌چرا انتخابات راتعقیب نکرده اند و وکلا را بمرکز حاضر ننموده‌اند پس کی باید از دولت مواخذه کند؟ .

آقاسیدیعقوب - قانون

اقبال‌السلطان - آیا قانون در انتخابات ممتد اجرامیشود؟

اگر قانون را اجرا می کردندامشب مااینهمه داد وبیداد برای جلو گیری از ایام فترت نمی‌نمودیم . بنده همانطور که عرض کردم عقیده‌ام این است که موافق قسمی که یاد نموده‌ایم مخالفت با قانون اساسی ننمائیم وبهمین جهت است که با اصل تمدید مخالفت می‌نمایم برای اینکه اصل پنجاهم هنوز تغییری ننموده است واگر می خواستند جمله اول اصل پنجم راهم تغییر بدهید یقیناً اصل پنجاهم را هم بحال‌خود باقی‌نمی گذاردند.

رئیس - ۶ نفر ازآقایان پیشنهاد کرده اند که مذاکرات کافی باشد. باید رای بگیریم . آقایانیکه تصویب میکنند مذاکرات کافی باشدقیام‌فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس - معلوم می‌شود مذاکرات کافی‌است.

پیشنهادی راجع بتمدید نشده است باید رأی بگیریم بآنچه درقانون‌انتخابات ذکرشده‌است یعنی‌بدوسال . . .

نصرةالدوله - اجازه‌می فرمائید

رئیس - بفرمائید.

نصرةالدوله - رای گرفته می شود بقانون فعلی آنهائی که موافق با تمدید هستند ناچاررد خواهندنمود.

رئیس - بلی‌اینطوراست.

نصرةالدوله - خواستم‌این‌توضیح داده شود تا مورداشتباه‌واقع‌نشود

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین — بنده‌باکمال تاسف‌عرض می کنم که آقایان‌رأی‌دادند که‌مذاکرات کافی باشد در صورتیکه ظلم بعقیده‌بنده نمودند بنده‌درجلسه گذشته اجازه‌خواسته بودم ومخالف باتمدیدهستم چون‌برخلاف نص‌صریح‌قانون‌اساسی‌است‌حالامی‌خواهند رای بدهند.

رئیس - سی نفر غیراز شما اجازه خواسته‌اند .

تدین - درموضوع باین مهمی نمی شود ومذاکرات را باین زودی کافی دانست .

رئیس- اگربناشود درهرموضوعی تمام آقایان حرف بزنند باید ده پانزده جلسه مجلس صرف‌یکمطلب‌بشود.

چون شما حرف نزده اید و راضی نیستید که‌نمی‌شودداد‌وفریاد کنید.

(آقای تدین حرکت‌نموده‌ازمجلس خارج‌شدند)

رئیس . بشما اخطار می کنم رأی می گیریم . . .

مدرس - پیشنهادی‌شده‌است.

رئیس - قرائت‌میشود .

(بمضمون‌ذیل‌قرائت‌شد)

پیشنهاد می کنم که مدت‌سه‌سال باشد

مدرس .

رئیس - آقای‌مدرس

(اجازه)

مدرس - چون بنده اجازه‌خواسته بودم و آقایان بکافی بودن مذاکرات‌رأی دادند و نوبت ببنده نرسید لذا پیشنهادی کردم و عقیده بنده این‌است که درقانون اساسی‌چهاراصل‌بیشتر‌متعلق‌بقانون‌انتخابات نیست .

اصل پنجاهم ربطی بانتخابات ندارد و این چهار اصل در حقیقت نسخ شده و تغییر کرده‌است و دلیل‌آنهم این است که انتخابات صنفی دو درجه شده و بعد تبدیل بیك درجه نموده و عده۱۶۲ نفرهم تبدیل به ۱۲۰ نفر شده و بعد ۱۳۶ نفر شده‌است .

لذاکیفیت انتخابات تغییر کرده واین قانون قانون عادی شده است و دلیل بر آنکه مدت دوسال هم جزو قوانین عادی شده این است در نظامنامه انتخابات هم تصریح شده‌است که انتخابات برای دوسال است و اگر تغییر نکرده بود البته حواله باصل قانون‌اساسی می کردند و اینکه باالخصوص در قانون انتخابات ذکر کرده اند بواسطه همین نکته است بناء علیهذا برای‌اینکه رای‌خودراگفته باشیم پیشنهاد می کنم که در آتیه مدت انتخابات سه سال باشد .

رئیس — آقای ملك‌الشعراء

(اجازه)

ملك الشعراء-عقیده بنده اینست چنانکه آقای‌رئیس فرمودند اول درمسئله تمدید یا عدم تمدید رای گرفته‌شود و بعد از آن درپیشنهاد آقای‌مدرس‌مذاکره‌شده ورای بگیرند .

رئیس - آقای‌زنجانی

(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده چون کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات هستم از پیشنهاد آقای مدرس دفاع میکنم .

آیااگر چیزی درقانون‌اساسی باشد در سایرقوانین هم ذکر شده‌باشد لازمه‌اش این‌است که ازحکم‌قانون‌اساسی خارج‌شد؟

مدرس - بلی باید اشاره‌بشود .

آقاشیخ‌ابراهیم‌زنجانی - خیر چون درقانون‌اساسی دوسال ذکرشده باید همان دوسال باشد .

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان‌میرزا- بنده‌عضو کمسیون نیستم .

رئیس- آقای فهیم‌الملك

(اجازه)

فهیم الملك- اولا در موضوع فرمایش آقای زنجانی که فرمودند در قانون‌اساسی دوسال‌ذکرشده توضیحاً‌عرض می کنم‌همان مجلس دوم که قانون‌انتخابات فعلی را تصدیق نمود رای بتمدید مدت دوره خودش‌داد .

همین یك دلیل بزرگی است که دو سالی را که در قانون‌انتخابات‌ذکر کرده اند برحسب قانون متعارفی بود.

بنا براین مجلس حق تفسیر آن را دارد ولکن حالا نمی‌توان راجع بپیشنهاد آقای مدرس مذاکره کرد بلکه باید اول در تمدید و عدم تمدید رای گرفته‌شود و بعد از تصویب تمدید داخل آن موضوع شد .

مدرس - پیشنهاد خود را مسترد می‌دارم .

رئیس - پیشنهاددیگری‌رسیده‌است قرائت‌میشود .

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

ما امضاء کنندگان پیشنهاد می کنیم که در اصل تمدید رای‌گرفته شود و در کیفیت علیحده صحبت‌شود . دولت‌آبادی آقاسیدیعقوب .

رئیس - توضیحی‌دارید ؟

دولت‌آبادی - خیر

رئیس - رای می گیریم باصل تمدید. آقایانی که با تمدید موافقند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . عده‌حضار ۶۸ نفر و ۳۶ نفر رای دادند . حالا به کمیسیون مراجعه شود یا خود آقایان پیشنهادی میکنند؟

سلیمان‌میرزا

(اجازه)

سلیمان‌میرزا- بنده سئوال‌میکنم درصورتیکه در اصل‌پنجاهم مسئله دوسال صریح است وبنده اینهمه اصرار کردم که به‌صورت مجلس ومذاکرات‌دوره‌دوم‌رجوع شود وآقایان اکثریت قبول نفرمودندآیا رائی که حالاراجع به تمدید دادند بمنزله تغییر قانون‌اساسی‌است‌یاخیر؟ وآیاتکلیف ماده پنجاهم قانون اساسی را چطور معین میکند ؟ و بالاخره آیا اصل پنجاهم که بهیچ‌وجه رجوع بەرفراندم نشده ومطرح نشده‌است به عقیده آقایان جزو آن‌چهار اصل وجزوقانون عادی است یاخیر ؟ این ها یك مسائلی است که خیلی مهم‌است. البته آقایان اکثریت بقوت اکثریت خود هرچه بخواهند میتوانند بایك‌قیام وقعود رأی بدهند وآن رای هم رسمی‌است .لکن‌آیابااین‌مشکلات میتوان بایك رأی قانون اساسی را جزو قوانین‌متعارفی کرد ؟ وآیابنده و دیگران که قسم‌خورده ایم حافظ‌قانون‌اساسی‌باشیم تکلیفمان راجع به‌اصل‌پنجاهم‌قانون‌اساسی که بااین ترتیب در جزو قوانین عادی میشود چه خواهد بود حالا اگر باز به بنده جواب مرحمت نفرمائید اختیار بدست اکثریت است ومختارند .

رئیس- آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسیدیعقوب- بنده از حضرت اقدس والا شاهزاده سلیمان میرزا استدعا میکنم که ازروی‌حقیقت به عرایض بنده وتوجه‌فرمایند وبعد اگردیدند عرایض‌بنده برمبنای علمی‌است تصدیق بفرمایند فرض بفرمایند بنده دراکثریت‌واقلیت هیچکدام نیستم . بلکه یك مسئله علمی‌است وصحبت میکنم . حالا آقای شیخ‌الاسلام

چون آقای مدرس در این باب صحبتی فرمودند می‌خواهند مخالفت کنند کاری ندارم ومسئله وضع قانون‌چیزدیگری‌است

اگر مقنن ازجهت یك حکمی یك قانونی‌را وضع کرد لازم‌نیست در هرجا که شمابخواهید متمسك‌به‌آن قانون‌بشوید آن حکم در آن‌جامورد داشته باشد . در کتب فقهه هم میگویند تخصص مورد باعث تخصص حکم نمیشود یعنی اگر دریك مورد مخصوصی یك حکمی وارد شد نمیتوان‌درهرمورد که‌بخواهند آن‌حکم را بیاورند آن حکمت هم درآن‌جاباشد . این مسئله در قوانین الهی وآسمانی وهم چنین در قوانین بشری هم‌که از برای ترتیب معشیت وسیاست خودشان قرارداده اندملاحظه‌وشایدملاحظه‌میشوددردوره‌اول‌از جهت‌یك‌ملاحظه‌دربارروضع قانونی‌شد حالا نباید دردوره‌دوم‌وسوم بگویند که‌حالاچون آن ملاحظات‌در کارنیست من‌نباید رعایت آن قانون را بکنیم بلکه تا مقنن‌قانونی را نسخ نکرده بقوت خودش باقی‌است‌اما مسئله نسخ قانون یعنی اگر مقنن قانون را وضع کرد وبعد از جهت ملاحظه‌آن را فسخ نمود آن قانون مرحوم شده استو مرده و نباید در هردوره ملاحظه مردگی آنرا بکنند و بگویند چرا مرده است و درهرچیزی‌متمسك بآن بشوند

بنابرتحقیقاتی که‌خودشان‌بیان‌فرمودند آراء عمومی بانجمن ایالتی آذربایجان اختیار داده که درچهاراصل ازقانون‌اساسی مداخله بکند و بعد ازآن که ملت این‌حق را داد مداخله‌در چهار اصل قانون‌اساسی شد حالا دیگر نمی‌توان گفت که ای داد وبیداد من قسم خورده‌ام خوب است‌آقای شیخ‌الاسلام توجه فرمایند تمام ماها قسم خورده‌ایم که حافظ قانون اساسی باشیم و امیدوار هستیم بآن قسمی که خورده ایم ثابت وقائم باشیم وخود بخود نمی‌خواهیم قانون اساسی‌را زیرپا بگذاریم باری‌بعد ازآنکه این حق‌بانجمن ایالتی‌آذربایجان داده‌شد قوت‌قانون‌اساسی بودنش ازبین رفت انجمن ایالتی آذر بایجان هم موادی معین نمودند واختیار تغییرآن مواد را بمجلس شورای‌ملی دادند. وخود شاهزاده سلیمان میرزا درچهار دوره‌وکیل بوده اند و تمام این چیز ها را میدانند .

انجمن ایالتی آذربایجان آن‌چهار ماده را جزو قوانین عادی قرار داده و قانون عادی را هم‌مجلس حق نسخ‌ووضع دارد .

بنابراین گمان‌میکنم بعدازاین‌توضیح شبهه‌آقایان راجع باصل پنجم رفع شده باشد .

آمدیم‌برسراصل‌پنجاهم اصل پنجاهم بعبارت فارسی‌وساده نوشته‌شده واگر توجه بفرمائید رفع شبهه خواهد شد می گوید دوره انتخابیه که عبارت از دو سال‌است‌یك دفعه بیشتر تجدید انتخاب نمی‌شود تمام فصحا باین‌مسئله قائل شده اند که کلامی که ذکر میشود نظر تقیداتی است که در آن کلام میشود یعنی هر کلام که ازدهان متکلم خارج میشود باید متوجه‌تقیدی شد که متکلم مینماید دراصل پنجاهم هم‌مقنن نظر به‌آن قید دارد که در جزء دوم ذکر کرده نه بجزء اول این اصل و مقصودش این است که امر بتجدید انتخابات یکدفعه بیشتر نخواهد شد وجزء اول باعتباراتیکه اصل پنجم ازقوت افتاده این‌هم از قوه و قدرت خود افتاده است پس دیگر شما نمیتوانید متمسك‌شوید که این مرده زنده شده ودوباره باید قوت‌بگیرد‌بواسطه‌اینکه آن اصل در نتیجه مراجعه بافکارعمومی از بین رفته‌ومرده وجزء اول اصل‌پنجاهم در واقع فرعی از همان اصل پنجم است و بمنزله شاخه ومتفرعات او بشمار میرود مسلم است وقتی‌که اصل درخت در اثر مراجعه بافکار عمومی و باختیا ریکه بانجمن ایالتی آذربایجان داده شده وحکمی که‌انجمن مزبور دراینموضوع صادر نموده از بین رفت و معدوم شداین جزء هم که یك شاخه ازآن است طبعاًاز بین‌خواهدرفت فقط چیزیکه‌دراصل‌پنجاهم برای ما سند میشود همان قیدی است که مینویسد یکدفعه‌بیشتر نمیتوان‌تجدیدانتخاب کرد ولی جمله اول ازبین رفته وچیزی از او باقی نیست .

اما راجع به آن چیزیکه آن شب فرمودند اجازه‌می‌خواهم‌جواب‌عرض که کنم بنده عرض نکردم تمدیدمجلس دوره‌فترت را بکلی ازبین میبرد گفتم عقیده‌ام این است از جمله چیزهائی که ممکن است از ایام فترت جلوگیری کرده و تجدیدش را رخصت بدهد یکی این‌است نه‌اینکه قویاً بطور قاطع عرض کرده‌باشم

مقصودم این بود اگر این کار بشود و تمدید صورت‌بگیرد شاید درنتیجه‌تمدید مجلس کلمه‌های پرنخوت‌ارتجاعی کمترشده ودراین مدت سه چهار سال عمر مجلس بیشتر باصلاحات امور موفق‌شویم اماباآن نظرحضرت والاکه میفرمایند دردوره‌فترت هر کس ازملت چیزی بگیرد وازمالیه‌ملت چیزی مصرف نماید باید شخصاً مسئول بوده و از عهده برآید

بنده موافقم و معتقدم که بموجب‌وضع یك‌قانون‌بطوریکه فرمودید بایدجلوگیری ازاین مسئله کرد

مسئله دیگریهم آن‌شب عرض کردم گویا توجه‌نفرمودیدقانون اساسی‌مینویسد اساس مشروطیت تعطیل‌بردار نیست‌بعقیده من این مسئله تابحال دروغ بوده‌است‌پس ما بایدکاری بکنیم که درآتیه تعطیل‌بردر نشود .

رئیس — آقا داخل اصل مطلب شدید .

آقاسیدیعقوب — میفرمائیدعرضم را تمام کنم بسیار خوب تمام شد دیگر عرضی ندارم.

رئیس — آقای مدرس

(اجازه)

مدرس — بنده خیال می کنم این مسئله نه‌مدرس لازم دارد نه‌مدرس مسئله نه برسر تغییراست نه برسر تغییرهیچ یك اینها نیست فقط مسئله برسراین است که آیا تمدید با قانون اساسی مخالفت دارد یا نه ..

شیخ‌الاسلام — بلی مخالفت‌دارد

مدرس - اشکال برسرهمین اصل پنجاهم است که آنچه مذاکره باید در اطرافش بشود مذاکره‌شده همانطور که آقای آقا سید یعقوب و جمعی دیگر از آقایان فرمودند ما عقیده‌مان این است که این اصل پنجاهم ربطی بمسائل انتخاب ندارد .

قانون‌اساسی نسبت بکیفیت انتخاب چهاراصل‌دارد واین‌اصل‌پنجاهم‌ابدآمربوط بآن چهاراصل‌نیست .

مثلا حالا آمدند و آقایان‌رأی‌دادند که مدت‌تمدید پنج‌سال باشد آنوقت‌اینماده پنجاهم این‌طور می‌شود درهردوره‌انتخابیه که عبارت از پنج‌سال است فلانطور وفلان طور نخواهدشد و این اصل‌مسئله‌انفصال و عدم‌انفصال‌را می‌خواهد بپروراند ومربوط بمدت نیست .

حالا من نمی‌دانم این اصل پنجاهم ترجمه از زبان دیگری است یا نه ؟ اگر واقعاً ترجمه است خوب است اصلش را ملاحظه فرمائید تا ببینند که هیچ ربطی به مسئله مدت دوره تقنینیه ندارد پس ما در این‌جا نمی‌خواهیم این ماده را تغییر یا الغاء کنیم .

زیرا آن‌چهاراصل که‌متعلق بانتخابات وکیفیت انتخابات است همان قسمی که آقایان مکرر فرمودند تفسیر کرده واصل پنجاهم‌هم هیچ ربطی به مسئله انتخابات ندارد . . .

سلیمان میرزا - می نویسد هر دوره مجلس .

مدرس - در دوره دوم‌هم که بنده و شاهزاده سلیمان میرزا هردو در مجلس بودیم رأی داده‌شد بتمدید و بنده‌هم‌داخل موافقین باتمدیدبودم فقط هفده نفرمخالفت کردند بعدآقای‌ناصرالملك صلاح‌ندانستند حالا این مسئله فایده دارد یا نه بجای خود بماند بعد فوائد تمدید درکمیسیون مذاکره‌شود .

مجالتاً ما داخل در مذاکره‌آن‌نیستیم ما الان می گوئیم تمدید مانعی ندارد و دلیل‌هم نمی‌خواهد و شما می گوئید اصل پنجاهم مانع‌است ما می گوئیم مانع نیست بدلیل اینکه بباقی کیفیات از حیث‌عدد و سایر چیزهاهم سابقاً عمل شده مثل اینکه انتخابات طبقاتی مبدل بانتخاب دودرجه و بعد یك درجه‌شد و عده از ۱۶۲ به ۱۲۰ رسید و از ۱۲۰ نفر به ۱۳۶ مبدل‌شد با ذکر این‌مراتب و با تغییراتی که از این حیث‌ها حاصل‌شده همچو معلوم می‌شود که قانون عادی بودجه و ابداً ربطی به قانون اساسی‌ندارد و این‌مسئله سابقاًهم کمااینکه در دوره‌دوم که منهم بودم بتمدید هم رأی دادیم و عمل‌هم شدآنروز هیچ‌این گفتگو ها در بین نبود حالاهم این‌حرفهارا لازم ندارد .

رئیس - آقای نصرت‌الدوله

(اجازه)

نصرت‌الدوله - بنده‌تصورمیکنم بعد از رائی که داده‌شد تجدید مذاکره دیگر غلط باشد و اگر بخواهیم مجدداً در این‌موضوع وارد استدلال‌شویم از هر حیث مخالف با رای‌مجلس است

شاهزاده‌سلیمان‌میرزا سؤالی فرمودند و اشتباهی‌داشتند که جواب ایشان‌را آقای آقا سید یعقوب و آقای مدرس فرمودند حالا بنده‌هم چیزی بجواب آقایان اضافه می کنم که شاید حضرت والارا قانع کند ایشان سؤال فرمودند که این رای مجلس چه تأثیری نسبت باصل پنجاهم می‌تواند داشته‌باشد .

آقای مدرس فرمودند این رأی‌است ابداً ارتباطی با اصل پنجاهم نداردبرای اینکه اصل‌مزبوربرای یکموضوع‌دیگری وضع‌شده و مربوط باصل چهل وهشتم و مربوط بانفصال مجلس ازطرف‌شاه‌است و برای تأیید فرمایش ایشان بنده‌هم دلیلی دارم که حالا عرض میکنم شاید ضمناًرفع شبهه‌آقای وحیدالملك‌هم بشود چون‌ایشان شبهه‌داشتند و فرمودند دردوره انتخابیکه مدت‌آن دوسال‌است یکدفعه‌بیشتر امر به تجدیدمنتخبین نخواهدشد .

خوب اگر مقصودش انفصال‌نبودآیا جمله (یکدفعه بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهدشد) مورد‌داشت .

پس مقصود انفصال است و الا اگر دوره بسر می آمدکه دیگر این عبارت معنی‌نداشت مقصود این این‌است که‌دریك دوره دودفعه‌وسه‌دفعه تجدیدانتخاب‌نخواهد شد واز نقطه‌نظر اصل ماقبل واصل راجع به‌انفصال اصل پنجاهم نوشته شده و هیچ ارتباطی به مسئله دوره وکالت ندارد و همانطور که‌آقایان مذاکره کردند ذکر یك‌مسئله که دریك‌اصلی مستقلا شده باشد

و دراصل دیگرهم ذکرشود اساس مسئله نمی‌شود و برای اثبات این مسئله آقایان اشاره به‌قوانین الهی کردند ولی‌بنده در این‌موضوع به‌قوانین اروپائی اشاره‌میکنم وعرض میکنم بموجب آنچه کتاب نشان میدهد ممکن است یك اصلی در یك ماده محرز شود در ده یا بیست ماده‌دیگر هم نسبت به‌آن اصل اشاره شود ولی نه بطور مستقل بلکه در ضمن بنا گذاردن اصل دیگری اشاره به‌آن‌اصل می‌شود و اگر یك‌موقعی فرضاً آن اصل ازبین‌رفت آن‌مسئله درتمام مواد ازبین میرود آقای وحیدالملك میخواستند سابقه پیدا کنند که درممالك‌خارجه کجادوره‌تقنینیه‌مسلسل‌است بنده‌هم میخواهم یك‌سابقه دیگری بایشان بدهم وعرض کنم که آیا در کدام یك از ممالك خارجه ایام‌فترت معمول است؟ البته هرمملکتی یك اقتضاهاتی دارد که باید به تناسب وضعیت‌آن مملکت قانون گذاری کرد مانباید درقضایا مقلد صرف باشیم‌در مملکت ماکه تاحالا این نوع چیزها پیش نیامده ولی درآنجائی که این قبیل مسائل پیش می‌آید وقوانین نسخ یاملغی می‌شود درپای همه‌مواد آن‌قانون ذکروقیدمیکنند که مثلا درفلان تاریخ‌فلان ماده منسوخ یا بلااثر شدوازبین رفته است حالادرمملکت مابه‌این مراتب‌عمل نشده واین قیودات در قانون ذکرنشده مانباید خودمان را دچار زحمت کرده ودر موضوع اصل چهارم یا پنجم که‌مربوط بمدت بوده‌و به‌تصدیق‌خود آقایان از بین رفته است اینقدر مذاکره کنیم ودیگر استدلال به‌اصل پنجاهم و غیره‌هم لازم‌نیست واین رأی که مجلس‌داد تأثیری نسبت به اصل پنجاهم ندارد زیرا اصل مزبور ابداً مربوط بدوره وکالت نیست .

رئیس — ازاین مذاکرات گمان نمیکنم نتیجه‌بگیریم‌ولی چون‌آقای‌سلیمان میرزا یك سئوالی کردند لازم است در جواب ایشان عرض کنم که درآتیه معلوم شود این‌رأی برخلاف قانون‌اساسی بوده است کان‌لم یکن خواهدبود آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج‌شیخ‌اسدالله — البته‌هرقضیه ممکن است یك عده مخالف داشته باشد زیرا درمجلس اتفاق‌آراء کمتردیده شده راجع به‌این‌قضیه‌چندشب دراینجا مذاکره شد وبالاخره امشب ازجمعیت های‌مختلف وحتی‌رفقای‌خود حضرت‌اقدس والاشاهزاده سلیمان میرزا رأی دادند . . .

سلیمان میرزا — بنده نه حضرت هستم نه اقدس والا خواهشمندم فحش‌بمن ندهید .

حاج‌شیخ‌اسدالله — شاهزاده سلیمان‌میرزا ....

سلیمان میرزا — شاهزاده هم نیستم .

حاج‌شیخ‌اسدالله - سلیمان‌میرزا غرض این‌است از طرف دستجات مختلف رأی به‌این مسئله داده‌شده‌واگربنا باشد آراء مجلس بواسطه مخالفت و عدم میل اشخاص صحیح نباشد گمان نمیکنم برای مجلس هیچوقت رسمیت پیدا کند و بنده خیال نمی کنم مخالفت وبالاخره عدم میل اشخاص بتواند تغییری دررأی‌مجلس حاصل کند زیرا همانطور که شما عقیده دارید دیگران هم‌عقایدی دارند واگرشما قسم خورده اید دیگران هم سوگند یاد کرده‌اندوبالاخره‌یك‌جمعی‌عقیده‌شان آن‌بود که‌اظهار کردندشماهم‌عقیده‌خودرا اظهار کردند فرمودید وبالاخره‌مجلس‌رای‌دادا گر حالابنا باشدمذاکرات‌راادامه بدهیم‌چندین جلسه وقت لازم است

شیخ‌الاسلام اصفهانی — قانون اساسی است مهم است

حاج‌شیخ‌اسدالله -- بنده هم‌می‌دانم موضوع قانون اساسی است‌اگر شما قانون اساسی را می‌فهمید منهم می‌فهمم و اگرشما نمی‌فهمید بنده‌هم نمی‌فهمم قانون اساسی رانتنها به‌خودتان نسبت‌ندهیدزیرا منهم ممکن‌است بفهمم

در هرحال قانون اساسی بجای خود صحیح است ولی‌مطابق اختیاراتی که‌به انجمن ایالتی آذربایجان داده شده بود انجمن مزبور حق‌پیدا کرد که این‌اصول قانون اساسی راالغاء کند وبجای آن‌یك قانون عادی وضع کند و اکثریت مجلس اینطور فهمید وآن قانون راتغییرداد شما هم‌بنابرعقیده‌شخصی‌خودتان عقیده‌اکثریت رانمی‌توانید تغییربدهید

شیخ‌الاسلام — رای اکثریت هم قانون اساسی را نمیتواند تغییربدهد

رئیس — (خطاب‌به‌آقای حاج‌شیخ اسدالله) آقاشمابطور تعرض‌می‌فرمائیدولی دیگران‌بطور تعرض‌حرف‌نزدند (خطاب‌به سلیمان میرزا) این مسئله‌ختم شد اگر اظهاردیگری‌داریدبفرمائید،

سلیمان‌میرزا-اگر اجازه‌بفرمائید عرض می کنم همانطور که‌فرمودید بنده هیچ‌نوع تعرضی نسبت باکثریت نداشتم فقط سئوالی ازمقام محترم ریاست کردم البته‌اکثریت هم که رأی می دهد مسئول رای خودش خواهد بود و همانطور که عقیده آقایان ثابت است عقیده شخص‌بنده هم‌آزاد وثابت است واین‌مسئله منوط‌بعقیده است مثلا همان طور که بنده از الفاظ حضرت .اقدس . والا بدم می‌آیداشخاص دیگری هستند که‌شایدخوششان بیآید.

در هرحال بنده تقاضائی که داشتم همین بود که بدانم اگر درآتیه معلوم شود این رای مجلس برخلاف قانون‌اساسی است از درجه اعتبار ساقط است یا خیر؟ زیرا خود این رای از طرف اکثریت خواه باتفاق داده شده‌باشد در هر حال مجلس حق ندارد قانون اساسی را به هیچ وجه تغییر بدهد و تعرض و تغییر و بالاخره اتکاء باین که هر کس فارسی‌میداند چیز می فهمد دلیل منطق نمی‌شودواگر آقایان‌آن‌تقاضائی که بنده کردم قبول می فرمودند رفع تمام این اعتراضات‌و این گفتگوها می‌شده امااینکه آقایان‌می‌فرمایندبانجمن‌ایالتی آذربایجان حق تغییر این مواد داده شده است بنده مخالفم و مدعی هستم‌که اگر صورت مذاکرات انجمن آذربایجان را بیاورند ملاحظه خواهید فرمود که انجمن مزبور کیفیت انتخاب را تغییر داد نه مدت را باینطور که ازمرکز می خواستند عده نمایندگان را کم کنند اوهم‌قبول کردو وعده وکلاء را از یکصد وشصت‌و دونفر بصدوبیست رسانید و شصت نفر طهران را بپانزده نفر تغییر داده .

غرض‌این‌است که انجمن مزبور این کیفیات‌راتغییرداده‌وابداً راجع بمدت دو سال حرفی نزده‌است چنانچه دردوره اول هم همین قانون اساسی بودو مدت‌هم همان دوسال بود . وهیچ اسم‌قانون عادی‌در کار نبود دردوره‌دوم وسوم هم‌همین دوسال‌بود

حالا در این دوره‌چهارم تازه این این‌صحبت هامی‌شود و فرضاًدرآن اوقات هم اگرهمچو رائی داده می شد بنظر بنده بازغلط بود وچنانچه مجلس چهارم هم‌اگر رأی بدهد دوره پنجم ممکن است‌بگویند آن‌رأی‌غلط بوده است .ولی بنده برای فهم قضیه‌عرض میکنم بخوبی ممکن است معلوم کرد که انجمن‌آذربایجان‌چه اقدامی‌در اینموضوع نموده است یاللعجب ! مگر تلگرافات در تلگرافخانه نیست مگر در دوائر دولتی این مطالب وجود ندارد.

چرا کمیسیون و مجلس‌این اسنادرا نمی خواهند تاکاملا مسئله مفهوم‌وآشکار شود.چرا مجلس ادله وسابقه این اموررا کنار گذارده و آقایان‌متصل می گویند بعقیده من اینطور یا آنطور است.

آقایان می‌فرمایند رأیشان موافق‌با قانون اساسی است . ولی بنده تکراراً عرض میکنم‌که انجمن‌آذربایجان کیفیت انتخاب را تغییر داده و ابداًذکری‌ازمدت نکرده‌است.

حالا که صحبت‌از قانون‌الهی‌می‌شود بنده عرض می کنم اگر درقرآن‌یك آیه را نسخ کنند دیگر جزء قرآن نخواهد بود ؟ الان خفف‌الله عنکم و علم ان فی کم ضعفا که‌آیه‌قبلش را نسخ کرده اند آیا حالا جزء قرآن است‌یا جزء احادیث و اخبار ؟ بنده‌بهمان دلیل عرض میکنم وقتی‌هم که‌فرضا یك ماده قانون اساسی‌را اصلاح‌و ترمیم‌بکنیم‌باز جزء قانون اساسی خواهدبود نه‌قانون عادی‌خوب است‌آقایان جواب بنده را بفرمایند...

آقامیرزاابراهیم‌قمی- بلی از اثر می افتد

سلیمان‌میرزا — بنده‌آیه دوم را عرض کردم یعنی آیه الان‌خفف الله‌عنکم و علم ان فی کم‌ضعفاحالاجزء قرآن‌هست یا نه ؟

آیه اول رانگفتم در هرحال عقیده اکثریت هرچه هست برای خودش مقدس است ورأی‌بنده هم‌درنزدخودم مقدس‌است و بعد تصدیق‌این‌قضاوت‌قضیه با روزگار است و آتیه و بعدها معلوم خواهدشد که‌در این رأی کی بخطا رفته است ولی حالابا تمام تعرضی که آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایندعرض‌میکنم که‌ماده‌پنجاهم‌رابطوری که آقای مدرس فرمودندنمی‌توانیم‌اصلاح کنیم زیراجزء رفراندم نبوده است

حالا اگر آقایان موافقین تمدید بخواهند دوره‌انتخاب‌رااز دوسال‌به بیست سال هم‌فرضا رأی بدهند مختارند ولی اساسا گمان نمیکنم باین وسیله حق پیدا کنند قانون‌اساسی را تغییر دهند.

بنده مطابق‌تقاضائی که‌از مقام‌محترم ریاست‌مجلس کردم‌عقیده‌دارم‌تمام‌مذاکراتی که در موضوع قانون‌انتخابات ورفراندم‌و مراجعه بافکار عمومی‌بعمل‌آمده‌است‌توسط تلگرافخانه‌خواسته شود ومطابق آنچه که در آن استنباط می‌شود عمل‌کنیم و الا آن مذاکرات را در تلگرافخانه باقی گذاردن‌و اینجا این صحبتهارا کردن این طریقه رابنده نمی‌پسندم

رئیس- آقای‌ملك الشعراء

(اجازه)

ملك‌الشعراء- راجع باین سئوال شاهزاده سلیمان میرزا بنده بطور خلاصه عرض میکنم که طرفداران تمدیدتا حدی که ممکن‌بود سعی نمودنداین اسنادی‌را که ایشان‌می فرمائیدهست‌بدست‌نیاوردند وشاید هم اصلا وجود نداشته باشد.

بعلاوه ما که همیشه می‌خواهیم‌قانون وضع کنیم‌سند ما همان قوانین موضوعه‌و مدونه است. و تکیه طرفداران تمدید در قضیه مراجعه‌بافکار عمومی و رفراندم‌بآن مقدمه‌ای‌است که قبل از قانون انتخابات چاپ و نوشته شده است‌ومکررهم‌دریشت تریبون خوانده و در جرائد هم‌نوشته‌شده است.

سند ما همان مقدمه‌قانون است که خودش حالت قانون را دارد و در این موضوع رفراندم‌هم سند ما همان مقدمه

دوازده سطری است نه تلگرافاتی که حضرت والامدعی هستند وجود دارد.

البته اگر شما بتوانید راجع بقضایائی که فرموده اسنادی تحصیل فرمائید و مدلل فرمائید که اختیارات انجمن آذربایجان فقط راجع بکیفیت انتخابات بوده است. البته ممکن است مجلس رأی خودرا برگرداند. واین اسناد را شما مکلف هستید زحمت کشیده بیاورید و در معرض افکار عمومی بگذارید. و اگر چنین چیزی باشد البته حق با شما است و در نتیجه رأی مجلس عقیم خواهد ماند ولی ما که طرفداران تمدید هستیم چنان اسنادی را بدست نیاوردیم و سند ما همان مقدمه است که بعداز آن رفراندم و مراجعه بافکار عمومی نوشته شده است و در آن مقدمه قانون که چاپ شده و منتشر هم شده است صریحا می نویسد چهار اصل از قانون اساسی تغییر کرده و در آنیه هم اگر اصلاحاتی باید در این تغییر داده شود دار طرف مجلس باید بشود و حق آن بامجلس است چنانچه مجلس هم بطوری که عرض شد آن قانون و نظامنامه را تغییر داد پس با ذکر این مقدمات هم امشب می توانیم آن را تغییر بدهیم و بازهم تکرارا عرض میکنم که شما اسنادی قابل توجه تر از این مقدمه قانون که طرف توجه ودلیل ما است در دست بیاورید ممکن است عرضه بدارید و البته در صورتی که قاطع باشد موثر خواهد بود.

رئیس- جلسه آینده شب جمعه پانزدهم نور و دستور آن شور در مسئله قالی جوهری خواهد بود

وزیر عدلیه- نظر باینکه بودجه وزارت عدلیه مدتی است از کمسیون بودجه گذشته است ممکن است استدعا کنم جزء دستور جلسه آتیه گذارده شود؟

رئیس- چون مسئله قالی جوهری مدتی است جزء دستور است و بعلاوه آقایان هم مایلند جزء دستور باشد بودجه وزارت عدلیه را برای جلسه دیگر می گذاریم

کفیل وزارت مالیه- اگر چه از موعدی که وعده داده شده بود چندروزی تاخیر شده است ولی خوشبختانه اینک بودجه کل عایدات را تقدیم مجلس شورای ملی می نمایم و افتخار میکنم باینکه بعد از هانزده سال که همیشه از بودجه مملکتی حرف زده می شد و هیچ دولتی هم موفق به ترتیب و تنظیم آن تا کنون نشده بود در دوره کابینه و زمامداری آقای مشیرالدوله تقدیم مجلس چهارم میشود. حالا چیزیکه تقدیم میشود خلاصه بودجه کل عایدات مملکتی است ولی صورت جزء تمام آن که تقریبا سی جلد است دراطاق آقای رئیس است در اختیار آقایان نمایندگان گذارده شده است و میتوانند بآن رجوع فرمایند. در اینوقت درموقع استفاده نموده واز آقایان نمایندگان محترم استدعا می کنم نسبت بلوایحی که ازطرف وزارت مالیه تقدیم شده عطف توجهی به فرمایند مخصوصا لایحه میزی که لازم است هرچه زودتر ازمجلس بگذرد و بموقع اجرا گذارده شود که برای تنظیم بودجه کمك بزرگی خواهد بود

رئیس - آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان — بنده درموضوع آن لایحه پنج ماده که راجع به مستمریات بوده چون باید زودتر بموقع عمل گذارده شود خواستم استدعا کنم اگر موقع باشد آنهم جزء دستور گذارده شود

رئیس - اگر مسئله قالی اجازه دار اول بودجه وزارت عدلیه مطرح خواهد شد بعد لایحه را که تقاضا می فرمائید جزء دستور گذارده می شود

رئیس - آقای سلطان العلماء

(اجازه)

سلطان العلماء — چون آقای کفیل وزارت مالیه تاکیدی راجع بقانون ممیزی فرمودند ودر پارهٔ جرائد هم دیده شده لازم است عرض کنم که کمیسیون قوانین مالیه مشغول مطالعات عمیقه در اطراف قانون ممیزی شده است وچون به مشکلاتی برخورده است لذا چند نفر از نمایندگان مالیه را اطلاع داده ودرجلسات عدیده باآنها مذاکرات نموده است و در خاتمه برای مزید استحضار خاطر آقای وزیر محترم مالیه عرض می کنم چون این قوانین مهم برای مملکت نوشته می شود لذا لازم است کمیسیون ومجلس شورای ملی دقت کامل بعمل بیاورد که خدای ناکرده مثل قانون نمك نشود که مدتی عمر مجلس صرف گذراندن آن شده و بالاخره هم نسخ شد وبا اینکه کمیسیون کارهای معوقه دیگر هم داشت معذلك این را سبقت داده و جلو تر انداخته است

رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده همین مطلبی که آقای سهام السلطان اظهار داشتند می خواستم عرض کنم

رئیس - مطلب دیگری نیست؟

(اظهاری نشد)

(مجلس شش ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

موتمن الملك

(جلسه نود و ششم)

صورت مشروح مجلس لیله جمعه هفتم رمضان ۱۳۴۰ مطابق پانزدهم نور ۱۳۰۱

مجلس دوساعت ونیم از شب گذشته بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید